

پیکار را بخوانید، در تکثیر و پخش آن بکوشید

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

دوشنبه ۲ مهرماه ۱۳۵۸ بهای: ۲۰ ریال

- گزارشی از زاغه‌نشینان شهر مشهد صفحه ۳
- فجایع بر علیه خلق کرد در پرده نمی ماند صفحه ۶
- اخبار شهرستانها صفحه ۷
- در هفته‌ای که گذشت صفحه آخر

ولایت فقیه گشادترین کلاهی که بسر مردم ایران می‌رود!

● استبدادی وحشتناک در قالب دین و با استکاء به توهماتى که بیمن توده‌های نا آگاه دامن می‌زنند در راه تحکیم است . استبدادی کماکان در خدمت بورژوازی و در جهت سرکوب خلقها بسفح امپریالیسم .

فرشها دیکتاتوری و فساد زمامداران
جنایتکار ، غیر قابل تحمل شدن سیاستهای
امپریالیستی در ایران ، بیان آمدن زحمت -
کشان کشور ما از استثمار و خونخواری
سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ ،
بقیه در صفحه ۲



مناسبت نهمین سالگرد سپتامبر سیاه: فاجعه و تجربه‌ای بزرگ

۹ سال از کشتار خلق فلسطین در سپتامبر ۱۹۷۰ (شهریور ۱۳۴۹) در اردن می گذرد . امپریالیسم آمریکا و ارتجاع دست نشانده عرب می خواستند با این جنایت سهمگین ، توطئه نابودی انقلاب فلسطین را پیاده کنند .
بقیه در صفحه ۱۲

ارتش و تصفیه ضد انقلابی در آن!

.. " دولت " ، ماشین سرکوب طبقه‌ای است ، که وظیفه اش حفظ منافع طبقات حاکم است .
- ماشین " دولت " موسسات متعددی چون ارتش ، پلیس ، دادگاهها و ... را در بر می گیرد .
- " دولت " سرمایه دار حامی منافع سرمایه داران استثمارگر و " دولت " زحمتکشان پاسدار منافع اکثریت خلق است .
- ارتش ، پلیس و دادگاههای دولت سرمایه دار ابزار سرکوب خونین خلق است .

- ارتش خلق با زوری مسلح توده‌های زحمتکش برای سرکوب ارتجاع و امپریالیسم است .
" جنگ " آخرین و نهائی ترین وسیله - ایست که طبقات متخاصم برای حل مسئله قدرت بدان دست می‌زنند . " لتین " می گوید :
" مسائل عظیم زندگی ملت‌ها فقط با نیروی خلق می‌شود . طبقات مترجم خود - شان قبل از همه معمولاً متوسل به
بقیه در صفحه ۴

اخباری از کردستان خلق کرد تسلیم ناپذیر است

- خبر رسیده که روحیه مردم کردستان بسیار خوب است و روزی نیست که نظاهرات فد دولتی انجام نگیرد .
هم اکنون مبارزات مردم بمحورت چریکی جریان دارد و حملات شبانه‌زبانی با این شیوه علیه پاسداران و ارتشی‌ها انجام می - گیرد . مثلا در حمله شبانه به پشمرگان (۵۸/۴/۲۲) به پاسداران در بوکان پنج تن از پاسداران کشته شده اند .
بقیه در صفحه ۵

جنبش کارگری

- اعتصاب در شرکت " فاسترویلر - تهران جنوب "
 - گزارشی از تحصن کارگران غیر رسمی " هوایمی ملی ایران "
 - کارگران " سد ایران " مبارزات خود راایی گیری می کنند
 - کارگران مبارز صنایع فولاد تا تحقق کامل خواستهایشان به مبارزه ادامه می دهند
- در صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

ولایت فقیه گشا درترین کلامی ...

بحران شدید اقتصادی سیاسی و اجتماعی ، سرکوب جنبش های مترقیانه و محروم پسودن بی حساب خلقهای ما از آزادی و عدالت اجتماعی ، سرانجام جامعه ما را به انقلاب گشاند . انقلابی که خواستار واژگونی هر گونه بنیاد ستم طبقاتی و ملی بود . انقلابی که می خواست سرنوشتی همانند انقلاب شکست خورده مشروطیت ، جنبش مترقیانه جنگل ، جنبش ملی شدن صنعت نفت و ... نداشته باشد و برستی راه را بسوی آینده ای روشن و خالی از هرگونه ظلم و تبعیض و دیکتاتوری و وابستگی و استعمار بگشاید . همه افشار زحمتکش ، همه کسانی که نفی در آن نظام فد مرمی و سرباستم نداشته اند در این انقلاب شرکت و فعالیت و جانبازی نمودند یعنی از روحانیت هم با انگیزه های عدلطلبی و عدالتجویانه و کوبیدن مهر خود بر انقلاب وارد میدان شد و با توجه به امکانات نسبی بیشتری که برای تماس با مردم در شرایط خلفان داشت و نیز با توجه به توهمی که مردم بدلیل عقب ماندگی تاریخی خود نسبت به این قشر و فرهنگ آن داشتند روز بروز نقش بارزتری را در این جنبش پیدا کرد . هشتاد و شش تن با مردم و خواسته های حق طلبانه توده ها آنانرا به همراه لیبرالها و بخصوص لیبرالهای مذهبی سوار بر موج کرد یعنی که امر برخواستن نیز مشتبه گشت و آنها پنداشتند که گویا مردم در نتیجه دم مسیحا یی ایشان به حرکت درآمده اند ! درحالیکه بطور مثال روحانیت نه در جنبش انقلابی که در سال ۲۹ تا ۳۹ نقش داشت و نه در جنبش توده ای خارج از محدوده ، جنبشی که سرآغاز انقلاب را نویی می داد . با این پندارهای واهی است که آنها فکر می کنند که میتوانند تا ابد بهرکجا که بخواهند مردم را ببرند .

اما وعده هایی که آنها در طول مبارزات ضد امپریالیستی - تسلطی به مردم می دادند چه بود ؟

آیت الله خمینی چه در نجف و چه در پاریس و نیز دیگر رهبران مذهبی وعده های بسیار درباره قطع کامل سلطه اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی آمریکا دادند ، آنها تمهیدی نگرفتند که آزادی و دموکراسی را در حکومت اسلامی تأمین و تضمین خواهند کرد ، از اینکه مردم خود باید درباره سرنوشته خویش تصمیم بگیرند ، سخنان میگفتند . از برچسبیدن بساط ظلم ، از بیرون ریختن همه جناحگان و غارتگران از ظروف ملت و ادوات حکومتی ، از اقتصاد ، صنعت و کشت و کاری مستقل و ملی ، از آلودگی ظلم و بیگانگی و اجتماعات ، حتی از منسوخیت ما نسودر برابر دیپلماتیک بیرون ، حرفها زدند . اما هنوز چند ماه نگذشته است که آن وعده های همراه با مدقلم و تپه ، همچنانکه از قبل روشن بود ، فراموش شده و درست برخلاف آنها عمل می شود و استبدادی و خشتناک در قالب دین و با آنگاه به توهما تری که بین توده های نا آگاهه من می زنند ، هر راه تحکیم است . استبدادی کماکان در عهده است

بورژوازی و در جهت سرکوب خلقها و بیفخ امپریالیسم . برای این ادعای ما دیگر لازم به آوردن سند نیست چرا که آن وعده ها بیشترین و این خلف وعده ها پیش چشم گوش همه توده های آگاهه میان است .

ایشان در شرایط موجود ، چگونه میتوانند به اسب سرکش انقلاب توده ها لگام زبند و آنرا به عقب بکشند ، چگونه میتوانند از حکومت خود سلامی - هر چند موقت اما غوغین - علیه کمونیست ها بسازند . کمونیستها تری که امپریالیسم باز

● اصل "ولایت فقیه" با حاکمیت خلق و آراء عمومی تفا د آشکارا دارد .

● اصل "ولایت فقیه" کاملاً اسلامی است و اسلام یعنی همین . لا غیر !

● فقیه جامع الشرائطی مانند آیت الله مرعشی نجفی که حق "ولایت" (حاکمیت بی چون و چرا) بر سرنوشته مردم ما دارد صریحاً استنما راجعاً بیز می داند ، برای مالکیت حدودی قائل نیست و آزادی "عقیده" را هم بحکم قانون شرعی جرم می شمارد . (والبتّه دیگران هم حق فصولی ندارند !)

به تجربه ، خویش در یافته است که تنها - آری تنها - دشمنان آشتی نا پذیرش هستند . روحا نیون بحکومت رسیده ، سر مست از قدسی که در طول تاریخ ، کمترین خوب هم میدیده اند ، میگویند با سرهم بندی یک "قانون اساسی" این قدرت با تاد آورده ، خود را جاسودانه و "الی الابد" کنند ، آنها با تکیه بر توهسات و جاهلتهائی که خود یکی از مسببین آن هستند ، امروز "ولایت فقیه" را که نقطه پایان بر هر گونه تصور "حق مردم در تعیین سرنوشته" را می گذارد ، بعنوان قانون به مردم ما حقیقت می کنند . مشروعیت طلبان مروجی که براریکه قدرت تکیه زده اند ، چنین ادعا میکنند که مردم ایران از سال ۱۳۵۰ به بعد کتاب "حکومت اسلامی" با ولایت فقیه " نوشته آیت الله خمینی را در دست ها شدند و مردم مبارز ما لاهت با قبول این اصل بدادند مبارزه میکنند (نقل بمعنی از سرفقاله " روزنامه " جمهوری اسلامی " شهر یون در صورتیکه حمایت و اعتماد مردم به آیت الله خمینی در مجموع و بطور عمده با طرموضت مگیری سرسختانه ، اولعیه سلطنت بود و هرگز توده های مردم شعوری از حاکمیت بی چون و چرا ی فقیه و آخوند نداشته اند . پای استدلال انصار طلبان آنقدر چوبین است که در روز فردا دوم گذاشتی با شتابی حیرت انگیز رأی مثبت به جمهوری اسلامی تعریف نشده و ناشناخته را ملازم با مسلمان بودن فرد گرفتند و بدین وسیله آنرا حقت کردند و حالاهم بر اساس همان رفتار دوم ولایت فقیه را حقت میکنند . اینها توده ها را چنان احق می پندارند که استدلالشان بطور خلاصه اینست : اگر مسلمانان ، باید جمهوری اسلامی را قبول کنی و حالاً که قبول کردی باید ولایت فقیه را بپذیری . همین مملکت در روحانیت مشروعیت طلب ، استبدادیشان روشن بین مذهبی را چنان نگران کرده است که فریاد میزنند " این افول اسلام است " (مهندس حسامی در سخنرانی ۲۵ شهریور در یادبود طالقانی) با دکتر پیمان که این اصل را برای مکتوب (ایدئولوژی اسلامی) زیانبار می بیند . (نقل بمعنی از سخنرانی در همانجا) .

در نظا هراتی که در دوران انقلاب صورت میگرفت ، یکی از شمارهای مرسوم ، شمار " استقلال آزادی ، جمهوری اسلامی" بود . اما مسامداران فعلی عمدتاً فراموش میکنند که حتی در این شمار که مستحک آنها برای طغنه کردن هرگز پیش عقب مانده ای است ، مردم قبل از ذکر اسلام استقلال و آزادی و جمهوری را فریاد میکردند و از اسلام هم هرگز چیزی در ردیف " مشروعیت " شیخ فضل الله نوری را - آنطور که امروز می بینند - منظور نداشته اند . مردم بر طبق همان وعده ها که ذکر شد و بر طبق تصور برداشتی که از حکومت و عدل علی و ... بوسیله کسانی مانند طالقانی و شریعتی و ... عرضه شده بود از اسلام تصورات و تخیلات دیگری در ذهن داشتند . هنوز شمارهایی که مردم با چنین شعوری در دوران انقلاب بر دیوارها از قول شریعتی نوشته اند به چشم می خورد که : " حکومت اسلامی آینده حکومت ملاحا نخواهد بود . " مردم بارها از رهبران روحانی می شنیدند که " منظور ما حکومت کردن نیست ، ما هنوز چند ماهی بیش نگذشته است که روحا نیون نه تنها شورای انقلاب و وزارتخانه ها و مجلس قانون گذاری را در دست خود قبضه کرده اند ، بلکه فرماندهی کل قوا را نیز بدست می کنند . و بدین ترتیب بمنتوان همدستان بورژوازی همه جا دیده می شوند ، آنها نه تنها مورد آنگاه ها ، فرماندارها ، استاندارها و بخشها را زیر نظر دارند بلکه مدارس و دانشگاهها را نیز بنا به سلیقه خود می گردانند و آنچه برای آنها مهم است اعمال فرهنگ و روپنهای خاص خود در این زمینه ها می باشد . امروز نفسی داشتن عمامه و عبا نردبان شرقی است و موجب برخواستن ری از بسیاری امتیازات و آنگاه و ویژه ، معممین بگیر تا حق اعمال نفوذ در کلیه شئون زندگی مردم و دخالتشائی که از فرط عقب ماندگی نه تنها مفسک بلکه بسیار ازینها ناراست . در بهمین ماه گذشته ، امپریالیسم جهانی که در سرکوب جنبش های رهاشی بخش دارای تجربه های فراوان است سرانجام با وساطت و دلالسی بورژوازی لیبرال راه سازش با روحا نیون و باز کردن راه برای آنان به جهت غریب بسوی قدرت و برگرزید زیرا خوب می دانست و می داند که

بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه ۱

ارتش و تصفیه ضد انقلابی در آن!

قوه قهریه یعنی جنگ داخلی میشوند و سرنیزه را دردستورروزمیکذارند. درطول مبارزات شکوهمند خلق ما، این آتش مسلسل ارتش ضد خلقی شاه و سرمایه - داران وابسته به امپریالیسم بود که بارها و بارها سینه هزاران کارگر، دهقان و بیست - و دو را از هم نکافت. خلق ما با کسب آگاهی عینی از همین واقعیت بوده که درگوران مبارزات خود همیشه ارتش ضد خلقی را هدف می گرفتند، با شعارهایی چون: "ارتش ضد خلقی ناسود باید گردد - ارتش خلقی ایجاد باید گردد" و با "ارتش خلقی بها می کنیم - میهن خود را رها می کنیم".

توده های ستم کشیده مردم که هرروز و هر ساعت سنگش خرابانها را با خون خود و عزیزان خود رنگین می ساختند، ماهیت ضد خلقی ارتش - شاه را با کشتن و پوست خوردن می کردند. در حالیکه رهبران مذهبی و لیبرال که از همان ابتدا آماده بودند بر سر تانک منافع تنگ نظران طبقاتی خود خون هزاران شهید را وجه معامله قرار دهند، در پشت پرده سرگرم مذاکره با امپریالیستها و مهره های سرسپرده آنها یعنی مقامات دولتی و ارتشی رژیم شاه بودند. آنها پس از سازش - های نهایی با امپریالیستها خود را آماده تحویل گرفتن آرام قدرت و سد کردن سیلاب خروشان انقلاب توده های کرده بودند.

یکی از مهمترین موارد این توافق، حفظ ارتش با ساخت موجود آن بود. ارتش سرسپرده ای با یک نظام اطاعت کورگورانه که مهره های اصلی و حتی درجه دوم آن همگی در آمریکا آموزش دیده و برای سرکوب جنبش خلق و حفظ منافع امپریالیستها و سرمایه - داران وابسته سازمان یافته بود. بهمین دلیل درست در همان زمانیکه ارتش مردم را به گلوله می بست، سازشکاران شعار "بگفته خمینی ارتش برادر است" را بر سر زبانها می انداختند. بورژوازی لیبرال این خیال را در سر می پروراند که ارتش و سایر موسسات دولتی را دست نخورده و یکجا تحویل کند (رجوع شود به گفتار صدراعض سید جواد) تا باردیگر آنها را برای سرکوب توده های مردم که خواستهایشان بسی از خواست بورژوازی فراتر می رفت بکار بود.

ولی قیام توده ها در ۲۱ و ۲۲ بهمن این پندار بورژوازی را نقش بر آب کرد. قیام توده ها با وجودیکه سرعت توسط بورژوازی و رهبری محافظه کار جنبش مها رگورید، ضربات هولناکی بر ارتش، پلیس و سایر موسسات دولتی وارد ساخت. ارتش فلج شده بود. پرسنل انقلابی ارتش که اکثرآ سربازان و درجه داران جز و همافران بودند بهادگان ها برگشته بودند. توده ارتشی که در جریان انقلاب از آگاهی نسبی برخوردار شده بود دیگر حاضر نبود زیر بار نظام اطاعت کور - گورانه برود. حاضر نبود به ماشین آدمکشی تبدیل گردد. آنها همراه با دیگر طبقات و اقشار توده خواهان آزادی و ثورای بودند. آنها دیگر نمی خواستند از فرماندهان زمان

" طاغوت " فرمانبرداری کنند. ولی دولت " موقت " سرمایه داران که می خواست بها پاره ای اقدامات سطحی مثل بازنشسته کردن تنی چند از امرا، از زیر بار اجرای خواسته های اساسی توده ها شانه خالی کند، فرمان ایست داد. دیگر بی است! هرکس باید بسوزد

می گفت. بورژوازی برای اینکار مهره های نظامی سابق را که چکمه لیس و خدمتگزار شاه و امپریالیسم بوده ولی برای توده ها کشتار شناخته شده بودند یکی پس از دیگری بسرگار می آورد. افرادی از قبیل سرتیپ شاکر که حتی در اولین روزهای پس از قیام توسط

● تحمیل جنگ به خلق کرد بهانه مناسبی برای تصفیه پرسنل آگاه و انقلابی بدست ارتجاع و فرماندهان مزدور و هاد

کار خود برود. هرکس باید از مافوق اطاعت کند. سرباز از فرمانده، کارگر از کارفرما، کارمند از رئیس، و برای این فرمان خود فتوا شیه ترمی قم را هم دردست داشت: از امروز هرکس اعتراض، کم کاری و اعتصاب بکند و اطاعت مافوق ننماید، ضد انقلاب شناخته خواهد شد. ولی توده ها خواستار تغییر بنیادی روابط و موسسات موجود بودند. نیروهای آگاه خلقی و پرسنل انقلابی ارتش خواهان انحلال ارتش ضد خلقی و ایجاد ارتش خلقی از نیروها و عناصر مترقی و مومن به آرمان خلق بودند. توده های ستمدیده خواستار بهبودی فوری وضع رفت بار خود بودند. دهقانان زمین های فئودالها و سرمایه داران ملاک را معادله می کردند. کارگران خواستار افزایش دستمزد، بیمه، مسکن و دخالت فعال در سرنوشت خویش از طریق شوراهای خلقی بودند. ژست های تهدیدآمیز دولت در مقابل اراده و خواست توده ها بجایش نمی رسید. کمیته ها نیز که بتدریج از ماهیت خلقی خود تهی شده و به آلت سرکوب توده ها تبدیل گشته بودند، با ترکیب طبقاتی و انارشی خرد بورژوازی خود بمذاق بورژوازی غشوش نمی آمد. می بایست هرچه زودتر ارتش سامان می یافت. هرچه زودتر نظم اطاعت کورگورانه اش اعاده گشته، تجهیز و آماده سرکوب

قهرنی که خود یکی از جلدان خلق در کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد بود برکتا رگورید و چند ماهی در زندان بود. خرد بورژوازی مرفه سستی که بنابه ماهیت طبقاتی خود در سرکوب توده های زحمتکش درکنار بورژوازی لیبرال قرار گرفته، ارگانهای خود، کمیته ها و سپاه پاسداران را که از انبوه آموزش نیند فتهای از عناصر نا آگاه و لایمن ها تشکیل شده، در سرکوبی جنبش توده های ناتوان می - باید. رهبری کینه گرای خرد بورژوازی که هنوز در توده های نا آگاه نفوذ فراوان دارد و در ست بهمین علت و نیز بطقت گوته بینی و تنگ نظری خود که از سرچشمه یک وضعیتی خاص عینی و ایدئولوژیک که خود را از لحاظ تاریخی در جنگ میان نو و کهنه در معرض فنا می بیند، آب می خورد، از بورژوازی در سرکوب هر چه سریعتر جنبش خلقی بی تاب تر است، در بازسازی هر چه سریعتر ارتش با بورژوازی همدستان می گردد. منتهی با روش خاص خود، او ارتش را که در اساس، چه از لحاظ مناسبات درونی و آموزش و چه از لحاظ فرماندهی همان ارتش ضد خلقی و در خدمت طبقات مرفه و ارتجاعی است، در هاله ای از تقدس می پوشاند و آنرا بنام لشکر دین به توده ها معرفی میکند.

سرانجام زمانی که بورژوازی و هم - دستان وی تاحدی از ساخت ارتش مطمئن می - گردند کار خود را آغاز می کنند و در جستوی آکنده از هیا هو و فلیان احساسات که با تبلیغات زهر آکین، در شرایط عدم آزادی مطبوعات، شکل گرفته، این ماشین عظیم سرکوب را که زنگ غوردگی پیدا کرده، انتظام داخلی را باز نیافته و مورد تنگ و تروید توده ها است، روانه میدان می کنند.



نیروهای ویژه و تکاورو... که رژیم شاه برای سرکوب خلقهای داخل و خارج ترویت کرده بود، همان نقشی را که شاه برایشان در نظر گرفته بود. با بمباران خلق کرد، با آوردن تانکها به خیابانها، با تانکها گرفتن سینه خلق، بی کم کاست انجام می - دهند. بی جهت نیست که امپریالیسم آمریکا در سبوحه جنگنازشت به هیئت حاکمه می - دهد و موافقت خود را با دادن ۲/۵ میلیارد دلار اسلحه و قطعات یدکی به ایران اسلام می دارد. و با این عمل نشان می دهد که چگونه پشتیبان تهاجم فاشیستی هیئت حاکمه بر خلق کرد است. و چگونه حرکت رژیم را در سرکوبی جنبش توده ای تاشد می نماید.

بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱ اخبار کردستان

مردم کردستان مبارزه را در تمام جبهه ها ادامه میدهند

در بسیاری از شهرهای کردستان مردم با پاسداران و ارتش ها حرف نمی زنند و با آنها با خشم و نفرت برخورد می کنند. حتی بعضی از منازعه ها به آنها حسرم نمی فروشد و اگر جنسی را داشته باشند، میگویند نداریم. این مسئله در مورد پیشمرگه ها برعکس است. در ضمن دکان داران طرفدار مفتی زاده از طرف مردم تحریم شده اند و کمتر کسی از آنها جنس می خورد.

گفته می شود که در کردستان مردم از تحویل اسلحه خودداری کرده اند و نیروهای دولتی از روی لیبست به دستگیری مبارزان اقدام می کنند. مردم روزها به نظر هرات مومسی می پردازند و علیه دولت شمار می دهند. شبها با استفاده از تاریکی به پاسداران حمله می کنند. و با به پشت بام رفته و شمارهای تندی علیه رژیم می دهند.

نیروهای دولتی دردهات اطراف دیواندروه کردستان از چندی پیش شروع به خلع سلاح مردم کرده و در موارد زیادی برای پیدا کردن محل اسلحه به شکنجه روستائیان پرداخته اند. آنها یکی از کشاورزان را از دودکش خانه اش روی شنور داغ آویزان کرده اند تا مجبور شود محل سلاح را نشان دهد.

مهاباد

اعتراض و راهپیمائی مردم

روزهای چهارشنبه و پنجشنبه (۱۵ و ۱۴ شهریور ماه) هزاران نفر از مردم مهاباد در خیابان های این شهر به تظاهرات راهپیمائی پرداختند و ضمن آن خواستار بازگشت شیخ عزالدین حسینی رهبر ملی و مذهبی خلق کرد شدند.

در خلال راهپیمائی روز چهارشنبه، تظاهرکنندگان مقابل فرمانداری مهاباد اجتماع کردند و علیه عناصر مرتجع دولت و شیخ مادی خلخالی شمار دادند. آنان همچنین خواستار متوقف شدن اعدام های ضد انقلابی فرزندان راستین خلق کردند. در پایان این راهپیمائی، پاسداران برای متفرق کردن مردم به تلیک هوائی متوسل شدند.

کلیه اخباری که با **★** مشخص شده از زیر نامه کردستان شماره ۴ نقل شده است (با تلخیص)

★ همبستگی شهروروستا

— حیررسیده روزهای مهاباد و مهاباد و بانه و سردشت در ماه مه بود و مردم با کمبود مواد غذایی روبرو بودند اهالی روستاها هر روز در راه و انت نان بخته و به شهرها می فرستادند.

★ سندیچ پاداش مزدور

— در سندیچ پیشمرگان خانه یک خان (مزدور) را که از طرف پاسداران ملاحمد مفتی زاده بوده متفرق کرده اند. از نتیجه این انفجار اطلاعی در دست نیست.

★ پاره

توده ها را برای همیشه نمیتوان فریب داد

— بدنبال اشغال شهر پاره و اعدام ها جوان مبارز در این شهر، به منظور فریب توده ها هر چند روز یکبار نظا هرات فرمایشی در شهر برپا می شود. نظا هرکنندگان که اغلب اجبر شده اند (مانند افراد قاضی انصاری) دستور دارند که هنگام فیلمبرداری، علیه " شیخ عزالدین حسینی " و " دکتر قاسم " شعار بدهند. هزاران نفر از مردم پاره که قبلاً بی طرف بودند و با به علت احساسات پاک مذهبی و تبلیغات زهر آگین دار و دسته مکتب قرآن با شیخ عزالدین حسینی و نیرو های مترقی مخالف بودند، بدنبال اعدام جوانان مبارز پاره به شدت از رژیم پاسداران متنفر شده اند. زهر آغها بسیاری از اعدام شدگان را از نزدیک می شناختند و به آنها احترام می گذاشتند. یکی از این شهدا شیخ عزالدین ضیائی، تکنیسین آزمایشگاه بود که مردم خدمات ارزنده اش را در بیمارستان شهر فراموش نخواهند کرد.

★ سقز

خلق کرد آرام نمی نشیند

— مدتی پیش برای چندمین بار مردم سقز، بخصوص خانلو ده های زندانیان سیاسی کرد علیه رژیم ضد خلقی و خلخالی به تظاهرات پرداختند. در این تظاهرات بیش از سه هزار نفر از خانلو ده های کرد مبارز شرکت کرده بودند، این تظاهرات آرام بوسیله پاسداران بخون کشیده شد و به نفر به شدت مجروح شدند.

★ چه کسانی

اعضاء مکتب قرآن هستند؟

پیش از این خبر دادیم اعضاء به اصطلاح مکتب قرآن که با پاسداران همکاری می کردند و اعضای نیروهای مترقی را لومی دادند شناستی شدند و یکی از آنها بنام رحمن کبانی دستگیر و به مهاباد اعزام شده است، اینک اسامی چندتن دیگر از آنها:

- ۱- عباس راننده معروف به عباس تیله کوشی
- ۲- منصور نیلوفری و حسین احمدی (این سه نفر، هر سه جافوکشان معروف شهر هستند)
- ۳- عبدالقادر مهری، عموسابق انجمن شهر و رئیس بخش اعصاب حزب ایران نوین و روستا - غیز.
- ۴- عطا الله، فرزند کاک بابزید
- ۵- محمد خوشحالی عضو ساواک و از اعضای برجسته حزب رستاخیز سقز - مسعود طلوعی

مسئول مکتب قرآن ۸ - محمد طلوعی ۱۰۰۹ - ملاحمد شیخ الاسلامی ساواکی معروف و ملاحسن ادیبی .

دو نفر اخیر که از ساواکیهای معروف کردستان می باشند، در جریان قیام ارتس توده ها جرات نداشتند از خانه هایشان خارج شوند و هر کدام چندماه در تهران مخفی شده بودند. بدنبال اشغال سقز به این شهر بر - کشتند و مدتی در پادگان سقز با خلخالسی همکاری می کردند.

عدل اسلامی!

— در میان اعدام شدگان سقز که ۵۲ نفر بودند، ۲ نوجوان ۱۲ ساله و ۱۴ ساله نایبهای آذربکشب دارایی و سیف - الله فیضی وجود داشته اند. در کجای دنیا و با چه قوانینی نوجوانان ۱۲ و ۱۴ ساله را آنهم به جرم عقاید سیاسی شهرواران می کنند. این یکی دیگر از شاهکارهای بیدادگاه عدل اسلامی است. نتگان باد!

بقیه از صفحه ۴

ارتش

و تصفیه ضد انقلابی در آن

ولی حمله شجاول کرانه ارتش به دست آورده های خلق کرد، بدون مقاومت در درون از پیش نمی رود. توده ارتش ابتدا مبهوت است. مبهوت از اینکه چه زود دوباره وظیفه آدمکشی را در مقابل او گذارده اند. ولی این بهت بزودی به زنده های اعتراض و سپس تهرود عناصر انقلابی و آگاه منجر می شود. عده زیادی از پرسنل آگاه و انقلابی ارتش از پادگانهای مختلف، در کردستان، کرمان، تهران ... فرار می کنند و حاضر نمی شوند بار دیگر زیر نظر فرماندهان رژیم کلاشته و این بار در پوشش اسلام دست خود را بخون خلق آغشته سازند.

عکس العمل ارتجاع سریع و بی رحمانه است. او گمان می کند فرست خوبی بسزای تسویه حساب با پرسنل انقلابی و آگاه بدست آورده است و به همین لحاظ فتوای " شرعی " به مورد اجرا گذارده می شود. جلا آماده است. دهها تن از پرسنل انقلابی به جرم شن ندادن به کشتار مردم، نخست در سقز و سپس بر طبق اخباری که می رسد در تهران و دیگر نقاط کشور به جوخه آتش سیرده می شوند.

آری، این چنین ارتش را تصفیه می نمایند. تصفیه ارتش از پرسنل مزدوری و انقلابی! سنگ بر چنین تصفیه ای باد درود بر پرسنل انقلابی ارتش سنگ بر فرماندهان مزدور و خائن گرامی با داخل طره پرسنل انقلابی ارتش که بحکم بیدادگاههای " شرع " به شهادت رسیده اند. ■

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی دمکراتیک

توضیح :

پس از انتشار پیکار ۲۰ و ۲۱ انتقاداتی در مورد مقالات مربوط به آیت الله طالقانی، طرح شد. این انتقادات که هم از جانب رفقای سازمانی و هم از طرف رفقای هوادار عنوان شده، بدرستی موضع غیرکمونستی این مقالات را مورد نقد قرار داده است.

واقعیت اینست که در دو مقاله مزبور مواضع آیت الله طالقانی مخصوصاً پس از قیام بدرستی و از موضعی کمونستی منعکس نشده است. اینکه آیت الله طالقانی تا قبل از قیام همواره درجه درجه دمکراتیک و صد امیرالیستی خلق ما جاسای شایسته ای داشته، حرفی نیست و در اینکه او پس از قیام نیز اینچنین و آنچنان با انحصار طلبان و بورژوازی درگیری‌ها داشته و مخالفت‌ها داشته کرده است نیز، شکی نیست. اما این نیز حقیقت غیرقابل انکار است که مواضع او پس از قیام مجموعه تسلیم طلبانه بوده و این مواضع مخصوص در مورد کردستان و نیروهای چپ جلوه بسیار داشته است.

در جریان تهاجم فاشیستی و گسترده شهریور ماه ضد انقلاب به خلق کرد، به مطبوعات مترقی، به نیروهای انقلابی چپ تسلیم طلبی آیت الله طالقانی در مقابل ارتجاع و بورژوازی به او خودرسید. سخنرانیهای نماز جمعه (در ماه رمضان که مصداق با این تهاجم بود) با توجه به وجهه وی در بین اکثریت توده‌ها، اثر قابل توجهی در تحکیم مواضع ارتجاعی هیئت حاکم داشت.

آیت الله طالقانی در ضمن سخنرانیهای فوق الذکر بارها بر وحدت تکیه داشت اما وحدت مورد نظر وی، با تمام حسن نیتی که داشت، چیزی نبود جز مخدوش کردن مرز انقلاب و ضد انقلاب، و این موضوع تا آنجا پیش میرفت که حتی مرز میان نیروهای مذهبی دمکرات و مرتجع نیز ماست مالی می‌شد. چنین وحدتی را فقط ارتجاع لازم داشت (و دارد)، تا سرکوب خلقها و نیروهای انقلابی چپ را عملی سازد.

این مواضع هیچ‌وجه غیر مترقبه نبود چرا که خرده بورژوازی صلابه دلیل موقعیت متزلزل طبقاتی همواره بی‌من بورژوازی و پورولتاریا، بین انقلاب و ضد انقلاب نوسان میکند و این نوسانات و متزلزل مخصوص زمانیکه این طبقه بقدرت سیاسی دست یابد، بیشتر و افزونتر میگردد.

آیت الله طالقانی نیز بمثابه یکی از نمایندگان برجسته قشر متوسط، از این منطق اجتماعی و تاریخی برکنار نبود و عملکردهایش سبزه در ماههای خنجر بخریبی این واقعیت را نشان میداد و این واقعیت را، مقاله‌های فوق الذکر بدلیل حرکت از یک موضع خرده بورژوازی در تحلیل طالقانی معلوم می‌ساخته بود. ما رکیست‌ها در برخورد با افراد، قبل از آنکه به نیت آنها و یا گفتار آنها توجه نماییم، اعمال و کردار آنها و اینکه عملاً در خدمت چه قشر و طبقه اجتماعی هستند، را در نظر میگیریم. جدا کردن فرد از قشر و طبقه‌ای که آنرا نمایندگی میکند، ما را

فجایع بر علیه خلق کرد در پرده نمی ماند و حقیقت همچون آفتابی همه جا خود را نشان میدهد

رژیم حاکم گردید. اگرچه نیروهای انقلابی و مترقی کوشیدند که واقعات را آنطور که هست برای مردم منعکس کنند ولی به علت محدودیت توانشان و تضیقات فراوانی که رژیم حاکم برای آنان ایجاد کرده است آنطور که باید موفق بدین امر نشدند. اما جنایات و فجایع ارتجاع انقدر بود که حتی در روزنامه‌های رژیم هم انعکاس یافت و به مثابه ناشی بر گرفته‌ها و اخبار نیروهای انقلابی و مترقی راجع به جنایات پادشاهان ارتجاع در کردستان و اسناد رسوا کننده‌ای برای قدرت حاکم، خود را نشان داد به غیر زبر توجیه کنند:

بخاطر عدم وجود نشریات مترقی و لغتاً - کرد و در انحصار گرفتن رسانه‌های گروهی اعم از نشریات و رادیو تلویزیون توسط ارتجاع حاکم، توده‌های مردم از اخبار و واقعاتی که در میهنمان، ایران، اتفاق می افتد و اخبار خارجی که به نوعی بسا منافع ایران تماس پیدا می کنند با خبر نمی شوند و با از آنها بصورتی کاملاً تحریف شده و سانسور شده اطلاع می یابند. از جمله واقعاتی که در کردستان بعد از هجوم فاشیستی ارتش و پادشاهان به خلق دلاور کرد رویداد، مشمول سیاست ارتجاعی تبلیغاتی

- به نقل از کیهان ۲۹ شهریور :

تلگرام اعتراض علمای مذهبی بانه به نخست وزیر

بانف از سوی علمای مذهبی بانه و قاطبه اهالی منطقه تلگرامی در اعتراض به اعمال پادشاهان در این شهر به مهندس بازرگان نخست وزیر ارسال شد. در این تلگرام آمده: «همچنان که مطلع هستید ما مردم کردستان همواره در طول تاریخ مرزدار خوبی برای ایران بوده و در اعتلای دین مبین اسلام از هیچگونه طرفداری دریغ ننشود و نیز در برانداختن نظام مستبدی شاهنشاهی، برای رهائی از ستم، دوشادوش سایر هموطنان مبارزه نمودیم.» در قسمت دیگر این تلگرام ضمن اشاره بدستور مزبور امامیهی پراکنده هیچ پاسداری بدون اجازه دادستان حق دخول بنازل افراد و دستگیری کسی را نداره، به آیه ۳۷ سوره نور نیز آمده: «از روزیکه قوای پادشاهان به پناهه وارد شدنا تسلیم نیست و آرایش از این دیار رخت بریسته زیرا در تمام شبانه روز پادشاهان بناوین مختلف پناهه‌های مردم هجوم میبرند و افراد را دستگیر و با چشمان بسته بساکه میکشند و باهلیک رگبارهای ناگهانی، خواب و آرایش را از مردم سلب نموده و بقدمات ملی و مذهبی اهانت مینمایند.» مردم بانه ضمن درخواست از نخست وزیر برای خاتمه دادن پاینگونه اعمال، افزودند: «چنانچه وضع بهین منوال باند، برخلاف میل باطنی ناگزیر هستیم که جلای وطن نبوده و بیکی از کشورهای مسلمان پناهانه شویم. والسلام علیمن اتبع الهدی.»

نابود باد توطئه‌های

ارتجاع و امپریالیسم

بر علیه خلق کرد

از تحلیل ما رکیستی افراد و پدیده‌های سیاسی بدور میاندازد و در گزدا ب تحلیل های ایدئالیستی و خرده بورژوازی درمی غلطاند.

ضمن تشکر از رفقای که در مورد این نظرات انتقاد ددی خود را فرستاده بودند، از همه رفقا خواستاریم که با ارسال نامی نظرات و انتقادات خود ما را در پیشبرد اهداف نشریه پیکار یاری رسانند. ■

تهران

ساعت ۱۲ شب روز ۵۸/۶/۲۱ افراد مسلح کمیته، دانشجویی را که قبلاً زندانی سیا - سی بوده از ساختمان شماره ۲ کوی دانشگاه تهران، بدلیل نامعلوم دستگیر کرده و برده اند.

دیروز گارد دانشگاه، امروز چماق بدستها

عمر سه شنبه ۵۸/۶/۲۲ دسته ای معلوم الحال که از بس درتها جماعت و تخریب - های قبلی دیده شده اند، حالا دیگر برای همه شناخته شده هستند، به دانشگاه تهران - سرا - زیر شدند و پس از سرکشی به یک یک دانشگاه ها و پاره کردن اعلامیه ها و پوسترها، چند تائی از آنها را بعنوان مدرک به ستاد فرمانگیری خود (نخست وزیر) بردند. در همین حین کردن اعلامیه ها، یکی از آنها اعلامیه "آبه داری را پاره کرد. دیگری گفت: پاره نکن اسلامی است. و جواب شدید: درست است که آبه دارد ولی از مجاهدین است و گفته اند پاره کنید.

ساواک بازسازی میشود!

خبر رسیده که سازمان جهانی اطلاعات و امنیت کشور با نام جدید " سازمان تدوام انقلاب " در حال بازسازی است.

معاون سابق ساواک همدان نه تنها دستگیر نشده بلکه هم اکنون در کمیته شمیران (تجریبی) سرگرم همکاری است

اواخر مردادماه ۵۸ اعلامیه ای به صورت زیر به شیشه نگهبانی زندان اوین نصب شده بود: " برستل زندان اوین، در صورت تمایل به خدمت، ۴۸ ساعت بعد آزادی باید مدارک خود را تحویل دهید."

از دونفر اعضای فعال سابق ساواک شنیده شده که تاکنون دورتیب به آنها پیشنهاد همکاری مجدد داده شده است. اما بنا به گفته خودشان فعالیت مجدد را قبول نکرده اند!

کمیته زهرا خانم!

چند روز پیش یک نفر هنگام بحث با دیگران بخاطر عقاید کمونیستی اش توسط زهرا خانم وهیالکی - هایش دستگیر و به پاسداران دانشگاه تحویل داده می شود.

خبری تأیید نشده حاکیست که حدود یک هفته قبل یکی از اعضا سازمان دانشجویان مسلمان پلی تکنیک در رابطه با گروه فرغان دستگیر شده است. ویرا مدت دو روز آنقدر شکنجه کرده اند که اکنون تعادل روانیش را از دست داده است.

گفته می شود در وزارت کشور، کمیته ای از اسامی کمیته ها، بخصوص آنها شبکه در دوره شاه اعتبار برآه انداخته و با فعالیت چشگیر داشته اند، تهیه شده، تا در صورت لزوم دستگیر شوند.

اعتراض به ابقای فرماندهان سابق

چندی پیش تعدادی از پاسانهای شهر باسی به عنوان اعتراض به تجدید روابط قبلی و ابقای فرماندهان سابق با همان دستورات و بخشنامه های پیشین، متحمن می شوند. پاسداران حمله می کنند و آنها را بنام ضد انقلاب بیرون می نمایند. پاسانها که حدود ۵۰۰ نفر بودند، در مدارک اعتراضات جدیدی هستند.

اخبار شهرستانها

یکی از سربازان نیروی دریایی که خدمتش ۱۶ شهریور به پایان رسیده است، پس از تکمیل تمام مدارک و تعقیب حساب با ارتش، به او می گویند: "هیچکدامتان را مرخص نمی کنیم و فعلاً کارت پایان خدمت بکسی نمی دهیم" علتش را هم جریان کرد - ستان ذکر می کنند. به این ترتیب کسانی از آنها که اسامی در کتکور قبول شده اند، نمی توانند به دانشگاه راه یابند.

در پادگان شهید حنیف نژاد چند نفر از افسران و درجه داران از رفتن به مناطق کردستان و شرکت در جنگ برادر کشی سرباز زده اند. هم اکنون تعدادی از این افراد در حال محاکمه می باشند و از آنها می خواهند "شکلیات ارتش آزاد ایران" را معرفی کنند. در همین رابطه استواررفاشی یکی از درجه داران میهن پرست که حاضر نشده بود به سز برود، پس از یک محاکمه نظامی ۲۴ ساعت اعدام شده است. از وی زن و ۴ فرزند باقی مانده است و بزرگترین فرزند او ۱۲ ساله است.

دولت بجای کارگران پیکار، به آمریکا خسارت میدهد

در شرایط بحرانی قبل از قیام، بسیاری از کارگران و زحمتکشان کار خود را از دست داده اند و تا امروز هنوز بیکارند. اینان که ستون اصلی قیام بودند، بیشترین فشار را بر شانه های خود احساس کردند و کمترین بهره از این قیام عایدشان شد. آنها امیدوار بودند که پس از قیام و سرنگونی رژیم مزدور شاه زندگیشان سروسامانی بگیرد. امروز که بیش از هفت ماه از عمر دولت موقت می گذرد، نه تنها نتوانسته خیسل وسیع گرسنگان و بیکاران را سرکار بگذارد، بلکه بجای پرداخت خسارت به کارگران و زحمتکشانیکه در این قیام از جان خود ماهه گذاشتند، به آمریکا خسارت می دهد که هر - آوردش برای ملت ما همه غارت است و چپاول! به خبر زیر توجه کنید:

دولت ایران در تاریخ ۵۸/۶/۲۴ مبلغ ۵۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال به سفارت آمریکا در واشنگتن ارسال داشت، تا از طریق آن سفارت به دولت آمریکا تحویل داده شود. گفته می شود که مبلغ مذکور جبران خسارت وارد " بر آمریکا در جریان انقلاب است که

با توصیه و بافتاری دکتر بزرگی ارسال شده است. پیش از این تاریخ نیز مبلغ ۱۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به آمریکا تحویل داده شده است.

گنبد

گفته می شود در گنبد توسط افسراد کمیته و دادستانی انقلاب شهر که مسئولیتش با مسعود حق گو (زندانی سیاسی سابق) بود، اطلاعاتی مابین گرفتن ۲۰ درصد محصول از فئودالها و پرداخت آن به دهقانان و ... صورت گرفته بود (البته با مشکلات و درگیریهای زیاد). اعتراضات و شکایت - های بی دربی فئودالهای منطقه موجب می - شود که فرد مذکور را تخویض و شخصی بنام طباطبائی را جانشین وی کنند. در ضمن چند ارتشی بازنشسته را نیز از شهران بکک وی می فرستند. طباطبائی با فئودالها زدوبند می کند. اعمال وی موجب ناراضی دهقانان و افراد صادق دادستانی انقلاب منطقه شده است.

رشت

مردم در مقابل ارتجاع مقاومت میکنند

روز ۱۷ شهریور اهالی یکی از محله های بزرگ رشت، سردر کوجهای پلاکاری نصب می - کنند بدین مضمون: " در سالروز هفده شهریور دولت موقت هفده شهریور دیگری در کردستان بوجود آورده است." اما عناصر مرتجع و نا آگاه و تحریک شده، با نظاهرات و هیاو می گویند پلاکارد مذکور را پاشن بیاورند که با مقاومت شدید مردم محل روبرو میشوند و درگیری بوجود می آید. پاسداران دخالت می کنند و تیراندازی صورت می گیرد و معلوم است به حمایت از چه کسی! دونفر زخمی می شوند مردم زخمیان خود را به بیمارستان می - رسانند و خشمگین از عمل پاسداران به خیابان می ریزند و فریاد می کنند: " چه فرقی است بین رژیم قبلی و این رژیم! خیابان از آتشی که مردم افروخته بودند بند می آید. رئیس کلانتری برای آرام کردن مردم می آید که کتک خورده برمی گردد. سر - انجام رئیس شهربانی و استاندار به خیابان می آیند و قول می دهند که عوامل حادثه را دستگیر و محاکمه کنند. بدین ترتیب مردم حاضر می شوند، خیابان را ترک کنند و به خانه های خود برمی گردند.

شهری

اعتراض اهالی بخش کهنرود

صبح روز پنجشنبه ۱۵ شهریور اهالی کهنرود از توابع شهری متوجه می شوند که اتوبوسهای شرکت واحد آوری شده و بجای آن چند مینی - بوس مسافر کشی خصوصی شروع بکار کرده است. مردم زحمتکشان منطقه که از این عمل شرکت واحد به خشم آمده بودند، دست به تظاهرات می زنند و طی آن خواستار دادرش اتوبوس

بقیه از صفحه ۲

گزارشی از زائغ‌نشین های شهر مشهد

بما می گویند بعلت کمبود جا فقط شریایش شما را می توانیم بپذیریم . بچه ها از نوزادی معتاد شده اند چون هروقت درد داشتند مجبور بودیم بهشان حب بدیم تا ساکت شوند (به این موضوع در سایر چادرها برخورد کرده ایم) دورتر زنی حدوداً ۲۰ ساله ناله می کند . می گویند سالهاست تمام استخوانهایش مخصوص پاهایش درد می کیند و حالا حتی شریاک هم دردش را دوا نمی کند . ما را به چادر می بردحصیر خانه اش را بالا می زند تا رطوبت را که تا کمر به اصطلاح اطلاق رسیده نشانمان دهد . جاتورانی که زهر حصرخانه کرده اند بیرون می برند . سؤال می کنیم تا حالا آپاکی به آنها سری زده تا به وضعشان رسیدگی کند ؟ بله ... موقع رفتنم یک مرتبه آمدند و یکبار هم روزپاکسازی آمدند اما نه برای تمیز کردن اینجا بلکه برای خالی کردن آشغالهای خیابان بالای شهر ... چرا اعتراض نکردید ؟ اعتراض کردیم فایده ای نکرد . بعد ما تلفن کردیم غروب آمدند از طرف شهرداری و آشغالهای خودشان را دورتر بردند ولی دیگر کسی سراغ ما نیاورد .

یکبار هم آقای استاندار آمدند خیلی مرد خوش اخلاقی است بما قول داده است که بما خانه بدهد و به وضعمان رسیدگی کند و ما منتظریم ببینیم اینها هم فقط قول می دهند یا نه ... چون قبلاً هم بما خیلی قول داده اند ولی وضع ما روز بروز بدتر شده است .

کمی دورتر به مرد جوانی برمی خوریم التماس می کند که برای او و زن و بچه هایش شناسنامه بدیم . می پرسیم مگر شناسنامه نداری ... نه اینجا هیچکس شناسنامه ندارد ... ازدواجها ... تولدها ... و همه کارها همینطور صورت می گیرد ما نمی توانیم بچه هایمان را بگذاریم با سواد بشوند ... به این دولت بگوئید به وضع ما برس ... باور کنید خیلی بدبختم .

ولی آیا این دولت به وضع ما بنان خواهد رسید ؟ اقدامات دولت " انقلابی " در همین چندماهه نشان می دهد که انتظار این رنج دیدگان و قربانیان نظام استعمارگرانه انتظار انقلابی می خواند و اعتصاب آنها را بخون می کشد ، دولتی که خواست بحق خلقها را ، مبنی بر خودمختاری با گلوله پاسخ می گوید ، بیگمان نه میخاهد و نه می تواند به خواست ستمدیدگان مبین مان که اکثریت مردم را نیز شامل می شود ، جواب مثبت و عملی دهد .

بعضی از وقایع ، دربعضی از شهرها مانند شیراز و قزوین مردم خواهان بازگرداندن فرزندان پاسدار خود از منطقه شده اند . آنها شمار داده اند که : ما فرزندان خود را برای سرکوبی امثال بالیزبانه ها و سالزجاف ها فرستادیم نه برای سرکوبی کردها .

همکاری کمیته ها با

زمین داران بزرگ

در منطقه بیضا (استان فارس)

در ده سنوین ، دهقانان زحمتکش زمینهای ایزدی ، خان مرتجع این منطقه را که بتنهایی ۴۰۰ هکتار زمین در اختیار دارد ، صادره کرده و شووای دهقانی خود را تشکیل داد . ه اند ، کمیته شیراز اعضای شورا را دستگیر و بزندان می اندازند . دهقانان برای آزادی دستگیرشدگان حاضر شده اند زمینها را پس بدهند (طبق آخرین خبر زمینها را پس داده اند) .

فیروز آباد فارس

دهقانان زمینهای جعفر بیگ لورا گرفته اند و این خان رازشهر بیرون کرده اند . این زمین ها بوسیله ۱۴۰ نفر از دهقانان مسلح حفاظت می شود .

مرو دشت

بعد از جریان اهل باصری (که در پیکار ۱۹ آمده است) ۴۰ نفر از فعالان و مبارزین مرو دشت را بخاطر شرکت در آن جریان دستگیر و بزندان انداخته اند .

زنجان

دو تن از پیشمرگها بنامهای حامدی و علی پیشمنان که در جریان سرکوب خانهای شلهکو و گلپای بدست عوامل فیروزخان و آقا ملک خلیل ملکی اسیر شده بودند در محل سپاه پاسداران زنجان اعدام شدند . در ضمن بدنبال سرکوبی خانهای گلپای و شلهکو بوسیله نیروهای مترقی و انقلابی کردستان و فرار آنها به زنجان ، چندی پیش خانهای گلپای و شلهکو به قم رفتند و با آیت الله خمینی ملاقات کردند (این خبر از رادیو قطب زاده نیز پخش شد) پس از این ملاقات گفته می شود که به این خانها اسلحه داده اند و امکانات گوناگون برای سرکوبی خلق کرد در اختیارشان گذاشته اند .

آنها هم قول داده اند که در سرکوب خلق کرد ویرم زدن اتحادیه های دهقانی کردستان با پاسداران همکاری کنند .

سهای واحد با بلیط ارزان می شوند . آنها همچنین به کمک چندتن از افراد کمیته محل شان که از جوانان خودشان بوده و از نزدیک با رنج و دردشان آشنائی دارند ، جلوس می بیند بوسه را می گیرند و پس از پیاده کردن مسافران شان آنها را متوقف می کنند .

عمر همانروز مردم بازن و بچه هایشان به خیابان می ریزند و شعار می دهند ، اتوبوسهای ما باید بازگردند . در این هنگام رئیس خط منطقه برای آرام کردن مردم به محل می آید و می خواهد سخنرانی کند . اهالی هم می برند و او را بدست کتک می زنند . همچنین ماشین وی نیز از خشم مردم درامان نمی ماند و بسختی آسیب می بیند . وقتی خبر حادثه دهان بدهان بگوش اهالی دهات و روستاهای اطراف می رسد همه خواستار بازگشت اتوبوسها می شوند . با اینکه حدود ۲ هفته از این اعتراض وسیع میگذرد ، هنوز از طرف مسئولین اقدامی در جهت پاسخ به اهالی نشده است .

آبادان

تبئید بخاطر عقاید سیاسی

تعدادی از معلمین آبادان را به خاطر اینکه آنها را جپی تشخص داده اند به سایر شهرها تبعید کرده اند .

اصفهان

تراسم کتابسوزان

در مرکز دانش!

قبل عناصر ارتجاعی و فالانز به دانشگاه اصفهان می ریزند و پس از کندن اعلامیه ها به کتابخانه های دانشجویی دانشگاه های ادبیات و علوم هجوم برده و کتابهای آنها را به صحن دانشگاه می آورند و به آتش می کشند .

چندی پیش که افراد مرتجع و تحریک شده حمله سازمان یافته خود را به کتاب فروشهای مترقی اصفهان آغاز کرده بودند ، و کتابهای هر کتابفروش را روبروی مغازه اش به آتش می کشیدند ، در حین ارتکاب با صحنه تعجب آوری روبرو می شوند . آنها می بینند نوجوانی که تا چند لحظه پیش هرگونه کتابی را بفل می گرفت و بدست آتش می سپرد ، اکنون دارد کتابی را با علاقه خاموش می کند . از او می پرسند : چرا داری کتابرا خاموش می کنی ؟ نوجوان می گوید : آخر کتاب صمد است . آنها سرش داد می زنند ، بند آیسوزد کمونیستی است . و نوجوان می گوید : نه ! کتاب ۲۴ ساعت در خواب بیداری صمد است ، کتاب را با پر خاش از او می گیرند و بداخل آتش پرتاب می کنند . نوجوان چند لحظه به کتابسوزان خیره می شود و بی آنکه حرفی بزند سوار دوجرخه اش شده و دور می شود .

شیراز

گزارش رسیده که بدنبال تلفات سنگین پاسداران در کردستان و روشن شدن

رفقا، هواداران! اخبار مبارزاتی منطقه خود را برای ما فرستید . در صحت و

موقع بودن اخبار نهایت دقت را نموده و تاریخ و مشخصات دیگر خبر را ذکر کنید . ارسال بموقع خبر را حتماً بخاطر داشته باشید .



جنبش کارگری

اعتصاب در شرکت "فاستر ویلر-نهران جنوب"

مجتمع فولاد اهواز و توضیحی درباره شرکت "فاستر ویلر-نهران جنوب"

پروژه صنعتی مجتمع فولاد اهواز که از اوایل سال ۵۵ کارمونتاز را آغاز کرده است تاکنون در حدود ۶۰٪ کار را پشت سر گذاشته است. بخاطر بزرگ بودن پروژه و دزدیهای زیادی که دست اندرکاران از طریق قرار - دادهای این پروژه با شرکت های مختلف می - توانستند به جیب بزنند آنها با شرکت های مختلفی قرارداد بسته اند و در نتیجه در این پروژه با شرکت های مختلف کوچک و بزرگ روبرو هستیم. شرکت های بزرگ که در پروژه صنعتی صنایع فولاد مشغول بکار هستند عبارتند از "فاستر ویلر" تهران جنوب که شامل چهار شرکت (کورف، لورگی، ا.ج.وای.ال و سوفراسید)، "ماشین سازی" و "مانا".

شرکت های کورف و لورگی و ا.ج.وای.ال و سو - فراسید، هر یک شرکت های جداگانه ای هستند که حول محور کنسرسیومی بنام "فاسترویلر-نهران جنوب" جمع شده اند. افراد رسمی این شرکت ها خارجی بوده و در حدود ۱۷۵ نفر می باشند و بیشتر آنها آلمانی هستند. کورف: یک شرکت آلمانی است که نظارت تمام کارهای صنعتی و غیرصنعتی از قبیل ابراج و استخدام کارگران به این شرکت واگذار شده است. مهندسین و مشاورین صنایع فولاد علاوه بر این کار تابع دستورات خارجی ها هستند. تنها "کورف" بلکه شرکت های "ا.ج.وای.ال" و "لورگی" و "سوفراسید" هم در حقیقت شرکت های هستند که در اصل از آلمان قرار - داد خود را با صنایع فولاد بسته اند و حدود ۸۰٪ از مبلغ تامین شده در قرارداد به این شرکت ها پرداخت شده و ۲۰٪ آن بکول بسه تحویل کار و شروع کار کارخانه شده است که کلاً درازا، دریافت ۸۰٪ از مبلغ قرار داد فقط حدود ۵۵٪ از کار تمام شده است. در قرار - داد شرکت های نظیر "کورف" ذکر شده که چنانچه به عللی از عوامل طبیعی و اجتماعی (منظور شورش های داخلی است) کارمونتاز کارخانه به تاخیر بیفتد تمام خسارتها و

نفعان و عقب افتادن کار بعهده دولت ایران است. و شرکت "کورف" این مدت تلف شده را به حساب کار می گذارد و چنانچه بعد از مدت نامین شده در قرارداد به عللی که ذکر شد کار تمام نشده بود، شرکت صنایع فولاد موظف است قرارداد جدیدی بر مبنای معیارهای روز، دوباره با شرکتها منعقد نماید.

شرکت "کورف" یکی از شرکت های بزرگ پیمانکاری در آلمان می باشد. این شرکت توانسته از طریق قراردادها صنایع فولاد تعداد دیگری از پیمان کارهای کوچکتر در آلمان را نیز در قرارداد پروژه صنایع فولاد سهم کند. مانند "B.B.C" مشغول نصب تابلوهای برق فشار قوی و مونتاژ تابلوهای برق و آسبا، مشغول کارهای ابزار دقیق و دستگاه های کنترل از راه دور. شرکت "فاسترویلر-نهران جنوب" حکم واسطه ای را بین صنایع فولاد و شرکت های ("کورف و لورگی" "ا.ج.وای.ال" و "سوفراسید") بعهده دارد. بدین ترتیب که شرکت "فاسترویلر-واسطه ای" است برای تهیه نیروی کارگر برای متخصص برای شرکت های مذکور و حقوق و مزایای کارگران را این شرکت حساب کرده و به صنایع فولاد میدهد و صنایع فولاد طبق لیست رسیده مبلغ پول را برای پرداخت در اختیار شرکت قرار می دهد. در گذشته "فاسترویلر" از این رابطه استفاده های کلانی کرده است، بدین ترتیب که دست اندرکاران پرداخت حقوق همیشه لیست حقوق کارگران را بیش از حد واقعی گزارش می دهند و پول دریافت می کنند.

در یک سال ۵ ماه گذشته ما تا حدود ۱۵۰ عدد کارت کارگری با حقوق های معادل ۵۰۰۰ تومان در کارگزاری موجود بود، که بناهای مختلف کارگری و تخصص های مختلف نوشته شده بود ولی از کارگران آن در کارگاه خبری نبود. بطوریکه ملاحظه می - شود در یک فقره سوچوئی در این شرکت در ماه مبلغ ۷۵۰ هزار تومان به جیب مدیران عامل و گردانندگان "فاسترویلر" ... ریخته می - شد. گذشته از این معلوم نیست ما همان - چه مبلغ از طریق فاکتورهای قلابی و قرار - دادهای جدید به جیب می زنند.

کارگران "سد ایران" مبارزات خود را پی گیری می کنند.

مادر پیکار شماره ۱۷ شرح مختصری از مبارزات کارکنان شرکت حفاری "سد ایران" دادیم. که چگونه کارگران مبارز شرکت بر سر دکان رژیم سابق را که کماکان جزو روسای شرکت هستند، بازداشت کردند تا به

کارگران بر اساس خواستهای انقلابی خود عمل می کنند!

خواستهایشان رسیدگی شود. در آن شماره نشان دادیم که چگونه "مدنی" استاندار فاشیت خوزستان، این قاتل خلق های عرب منطقه، کارگران مبارز شرکت را برای آزادی مزه و زبان تحت فشار قرار داده بود. و ضمناً سرخسی، هوشیاری و آگاهی کارگران انقلابی شرکت را بعنوان جزئی از کل انقلابی ترین طبقه یعنی "طبقه کارگر" بازگو ساختیم.

و اینک برده دیگری از مبارزه کارگران این شرکت و بازم فشاری مجدد از "مدنی" استاندار فاشیت خوزستان!

"شورای کارکنان سد ایران" در ادامه مبارزاتش و پس از تحقیق و بررسی ۱۵ نفر از کارمندان و یک نفر را شنیده را بدلیل خوش خدمتی به اربابان خارجی، بدزدی و شک حرمت کارگران، از کار برکنار و از ورودشان به شرکت جلوگیری بعمل آورد.

افراد فوق نسبت به این مسئله اعتراض کرده و به مقامات مشغول از جمله استانداری شکایت می کنند. بعد از این شکایت، استاندار نامه ای بشماره ۲۳۲۵۴ مورخ ۵۸/۶/۲۰ (ش) صادر کرده و در آن "شورای کارکنان" را با تکیه بر قوه تئین کار آریا مهری! فاقد صلاحیت قانونی دانسته و اعلام می دارد که کارکنان با هستی سرکار با زنگنه و حقوق زمان معوقه از کار در دریافت دارند.

این نامه استاندار، خشم کارگران را برانگیخت و آنها اعلام کردند که: "ما شما م قوا از شورا و عملکرد آن دفاع نموده و چنان - چه افراد اخراجی سرکار برگردند دست به اعتصاب خواهیم زد." در ادامه این درگیری -

ها روز ۲۵ شهریور ۵۸ در ساعت ۹ صبح در وقت شرکت بنام فتحعلی نظرنیا (که از شرکت نفت برای بعهده گرفتن امور به شرکت آمده است) در حضور کارکنان سخنرانی ابراهیم کرد. او فرحین سخنرانی از کارگران خواست که از کم کاری و تخریب اموال شرکت بپرهیزند و با دلگرمی وظایف خودشان را انجام بدهند. او در ادامه گفت که علیرغم اینکه "شورا" نور چشم ماست ولی قدرت اجرایی نداشته!! و حق اخراج کارکنان را ندارد. او به این دلیل ۱۶ نفر اخراجی با هستی سرکار بازگرداند در همین موقع چندی از کارکنان او را افشا کرده و از کارگران می خواهند که از طرفداران برانگنده شده و به حرفهایش که جز بربادی در دستاوردهای شورا نیست، توجه نکنند. چون او قصد دارد شورش که موردتأکید دوهزار نفر کارگر است بی اعتبار سازد. کارگران که بی به مابیت سخنرانی او برده بودند از اطرافش پراکنده شده و در گوشه ای دیگر جمع شده و به سخنان یکی از کارکنان که وظایف شورا را بیان می کرد گوش دادند. سپس با شورا اعلام همبستگی کرده معمم شدند که تا زهر بار فشار از خارج نرفته و مانع از بازگشت کارکنان اخراجی شوند. تا روز ۶/۲۷/۵۸ کارکنان اخراجی، هنوز به شرکت بازنگشته اند.

۵۸/۶/۲۷

(ش) - این نامه ضمیمه است.

اعتصاب کارگران ماشین سازی پارس (اراک)

۲۸ مرداد - مدت یک هفته است که کارگران این موسسه در حال اعتصاب هستند. دلیل آن عدم پرداخت حقوق است، مهندسین نیز به سرکار نمی آیند. هر کارگر حدود ۱۱ هزار تومان از موسسه طلبکار است.

شرکت لوشان (اراک)

۲۵ شهریور - بدلیل عدم پرداخت حقوق ۳ ماه، کارگران بدت دو روز روزهی استان - داری تحصن کرده بودند. کارگران در گذشته با دفتر امام تماس گرفته و امام سفارش آنها را به فروهر کرده بود. پس از اینکه کارگران برای گرفتن حق خود بجائی نمی رسند، تصمیم می گیرند که دسته جمعی به تهران بروند و حتی در روز شنبه هم به این منظور شده بودند، لکن از طرف آقای دیباچی (نماینده امام) از این کار جلوگیری شده و نسبت به پرداخت حقوق یک ماه اقدام می شود.

کارگران این شرکت نسبت به فتوحی که نماینده وزارت کار است و با صاحبان این شرکت (صفائی و محتشمی) که از سرمایه داران بزرگ هستند روابطی دارد، بسیار بدبین شده اند. همین طور چون فتوحی کارگران شرکت آوانگان را از کار بیگانه کرده - است کارگران از او متفرقند.

میکروفن رفته، بعد از انتقادات زیاد از شورا و نحوه پیگیری خواستهای کارگران از طرف شورا، یک سخنرانی طولانی می کند که مورد تائید کامل کارگران قرار میگیرد. او سپس برای برآوردن خواستهای کارگران به مسئولین شاهنشیه ۲۷ شهریور فرست می دهد و اعلام می کند که در صورت برنیاوردن خواست کارگران که تا آنروز دست به اعتصاب خواهند زد. کارگران که تا آنروز همچون آتش زبر خاکستر بودند اعلام می کنند: " ما از همین حالا اعلام اعتصاب می کنیم " و از همان ساعت دست از کار می کشند. این کار مورد مخالفت عده ای از نمایندگان غذاکارگر قرار میگیرد. ولی کارگران که مصمم بودند، به اظهارات آنها توجه نمی کنند.

در روز سه شنبه همین نمایندگان غذاکارگر به میان کارگران آمده و با حربه های چسبند و معمول خود که " دولت ضعیف می شود، کمو - نیستی " از کارگران تاروز شنبه مهلت می گیرند. تعدادی از خواستهای کارگران به شرح زیر است:

- ۱ - تغییر حق مسکن از ۲۴۰۰ ریال مجردی و ۳۴۰۰ ریال متأهلی به بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ ریال.
- ۲ - تعدیل شغلی کارگران.
- ۳ - پرداخت اضافه حقوق کارگران. ۱۰ ماه است که اضافه حقوق کارگران عقب افتاده.

بقیه در صفحه ۱۱

مدنی بر اساس خواستهای ضد انقلابی و قوانین آریا مهری استدلال میکند!

شماره:
تاریخ:
پست:



سرپرستی شرکت سد ابران - سد گنو.

شانزده نفر از کارکنان آن شرکت باستانداری مراجعه و شکایت کرده اند که از طرف انفرادی بنام شورای اسلامی کارکنان سد گنو - سد ابران از کار بزرگوار و بخدمت آنان خانه داده شده است و وضع حقوقی آنان متزلزل و وضع معاششان که هر یک چندین سال سابقه خدمت و کسار داشته اند مختل گردیده است.

بموجب قوانین کار که در دست اجراء است اجراء انفرادی مشمول قوانین جز مجرب دستورالعملهای معینه و جز بوسیله انفراد استولی که در قوانین کار ذکر شده و محدود اختیارات و وظائف مدبران مسئولان شغلی نمیگردد، ممکن نیست و لذا چنین شراشی که اصولاً تشکیل آن پایه و اساس تائیدی ندارد نمی تواند تصمیم با عراج کارکنان و کارمندان بگیرد و حقوق آنان را ضایع و با مجازاتها بگری اعمال کند که بموجب قوانین در دست اجراء قد چنین اختیاراتی است.

لذا برکاری شانزده نفر فوق الذکر با اساسی آتاهان امین بابایان، مستطی لیسری، بشی الله باوری، هرمز - ترکی، رستم بهرچشماری و امیر کبانی و غیره میر تائید استانداری نمیشود و این افراد باید بکار خود ادامه دهند و حقوق ایامی را هم که بر اثر تصمیم شورا بر کار ماضی شده اند در زمانت دارند. هرگاه موجبی برای برکاری یک یا چند نفر آنان وجود داشت و مقامات مسئول و مختار شرکت تصمیم با عراج آنان گرفتند مراتب را با تذکره لای و ظل برکاری باستانداری اعلام سپس نسبت به برکاری آن افراد در حد و شرایط و وسایلهای جاری (قوانین کار و ایستامه های

۲۲۲۰۰ مرهله) اقدام نمایند.

روزنامه استانداری خوزستان

روینت بکارمندان اجرائی ابلاغ میگردد که بسرکار خود بازگشته و حقوق ایام نسبت خود را هم که بر اثر تصمیم شورا در شرکت حاضر شده بودند در زمانت دارند.

کارگران مبارز صنایع فولاد تا تحقق کامل خواستههایشان به مبارزه ادامه می دهند.

دهد. او مطرح می کند که: شورا در اطاق - های دربسته تصمیم می گیرد و حتی چند دفعه بدون اطلاع من که نماینده کارگران " کورف " هستم جلسه تشکیل داده و این خود نشان می - دهد که تصمیم درخفا و بدون اطلاع کارگران گرفته می شود.

بعد از این سخنران یکی از کارگران من از میان جمعیت بلند شده و فریاد می زند: " ما دیگر گول تبلیغات کارفرما و عواملش را نخواهیم خورد. هر وقت ما برای گرفتن حق خود جمع شدیم فوراً طرفداران کارفرما گفتند که: " اینها کمونیست هستند " و با " کمونیستها " و بغد انقلاب در شما رخنه کرده " ماهه با هم برادرم. ماهه کارگریم و دیگر گول حرفهای کارفرما را نمی خوریم. بگذار کمونیست باشیم ولی حقمان را بگیریم ". صحبتهای این کارگر که با شور و هیجان بیان می شد مورد تائید کامل بقیه کارگران قرار می گیرد. سپس یکی از نمایندگان " لورگی " پشت

کارگران مبارز " فاسترویلر " پس از قیام شکوهمند توده های زحمتکش که خود شرکت مشور و فعالی در آن داشتند، بسرکار بازگشته و خواسته های خود را در ۲۸ مورد به مسئولین ارائه دادند. ولی تاکنون کوچکترین اقدامی در جهت تحقق این خواستها بعمل نیامده است. و هر بار که کارگران بقصد پیگیری خواستهایشان مراجعه می کردند، از طرف عوامل ضد کارگری " شورا " و مسئولین امر به آزارش و ... دعوت می شدند، مبادا که دولت جمهوری اسلامی تضعیف شود. تا در تاریخ ۵۸/۶/۲۵ رأس ساعت ۸ صبح به دعوت " شورای کارگران فاسترویلر " خود (۱۰۰۰) هزار نفر از کارگران از قسمتهای مختلف کارخانه در جلوی آفیس (دفتر شرکت) جمع می شوند. ابتدا یکی از نمایندگان به طرفداری از شورای کارگران صحبت می کند و سپس نماینده دیگری برعکس اولی ماهیت شورا را افشاء کرده و تمهید و وفاداری خود را نسبت به کارگران نشان می -

گزارشی از "خروش کارگر" هوادار سازمان

گزارشی از حسن کارگران غیر رسمی "هوا بهمانی ملی ایران"

بنیادال بی نتیجه ماندن مذاکراتی که کارگران غیر رسمی سمتهای مختلف هوا بهمانی ملی ایران با تاسم شکیب نیا، مدیر عامل این شرکت نامتدد، کارگران مبارز، تصمیم گرفتند تا برآورده شدن خواستههای بنیادگانه خود از تاریخ ۵۸/۷/۲۱ در جلوی اداره مرکزی این شرکت واقع در فرودگاه متحصن شوند.

از آنجا که هیئت حاکمه کنونی حد اعتبار را "غیر قانونی" و عملی "خدا انقلابی" اعلام کرده است و با برجیبهای چون "اغلاگری" و "توطئه گری" این حق مسلم طبقه کارگر را از او غصب نموده، لذا کارگران مبارز هوا بهمانی ملی برای علی صلح کردن عناصر ضد کارگری از این "حربه" تصمیم گرفتند که بعد از ساعات کار در گروههای ۲۰۰ نفری متحصن شوند. بدین ترتیب که آنهاست که در هیئت تیب کار می کنند روز بعد متحصن شوند و آنهاست که روز کار می کنند عیب به حسن انامه دهند. البته کارگران قبلا به مدیر عامل و "وزیرای کارکنان هوا بهمانی ملی ایران" که از چندی پیش با نفوذ عوامل مدیر عامل در آن و تبلیغ کارگران انقلابی از آن بیورث عوراثی شد کسارگری در آمده است، هشدار دادند که حسن آنها به این شکل فقط تا مدتی محسود انجام میگردد و پس از آن (که تاریخ را بهنگام معلوم خواهند کرد) این حسن تبدیل به اعتمادی همگانی بدل خواهد شد که مسئول عواقب آن لفظ و فقط مدیر عامل شرکت می باید.

خواستهای بنیادگانه کارگران مبارز متحصن عبارت است از:

- ۱- رسمی شدن تمام کارگران غیر رسمی
 - ۲- اعراج عناصر ضد کارگر و مرتجی که قبلا با رژیم شاه عائن همکاری مستقیم داشته اند و در سرکوب کارکنان مبارز شرکت نقش عمده را بازی کرده اند و مانند وزیر و بهنام و ملکی و ...
 - ۳- مسافرت اموال "تیمار عانی" معلوم، مدیر عامل شرکت در زمان رژیم شاه مژور
 - ۴- برنگرداندن "ناظمی" عائن به شرکت
 - ۵- پرداخت حقوق عادلانه به سه نفر از کارگرائین که در زمان رژیم وابسته به امیرالهیسم شاه عائن چندین سال از عمر خود را در زندان اوین و زیر شکنجه گذرانده اند.
- در جریان متحصن تیب عده ای از کارگران آگاه اعلامیه ای در میان کارگران پخش کردند که بهنگام توسط افراد مستتر وابسته به کمیته فرودگاه جمع آوری گردید. بهنگامی از اعلامیه را در زیر ماوریم:

ما چاره ای جز مبارزه نداریم

ما کارگران زحمتکش، ما که هرروزه استثمار را با پوست و گوشت و استخوان و رگ و پهی خود لمس میکنیم، ما که هر لحظه توسط سرما به نارمان عمیره جانمان میکشد عده و به لیدر کیمهای سرما به سرازیر می شود، ما که نه نان داریم و نه مسکن و نه آزادی، ما که از حد اعتبار این حق مسلم طبقه کارگر، توسط هیئت حاکمه کنونی محسور شده ایم، هیئت حاکمه ای که نه مولود به نسر رسیدن انقلاب دیوکراتیک و ضد امپریالیستی خلقی ما بلکه حامل همه کارمانند آن و سازش امیرالهیسم با بیورژوازی لاهورک و نمایندگان خرده بیورژوازی مرده بوده است..... این جریان به تا روزی که ما (تمام کارگران و زحمتکنان ایران در هر کارخانه و مؤسسه و شرکت و کارگاه و آگاهی طبقه ای بخت نیاورده ایم، تا روزی که اداره امور و در نتیجه سرنوشت خود را در دست دگر گرفته ایم مانده نارد. چرا که هیئت حاکمه کنونی

نه میخواهد و نه میخواهد کوچکترین قسمی در راه بهبود وضع اقتصادی- سیاسی- اجتماعی خلق ما- بطور اعم- و طبقه کارگر- بطور اخص- برنارد..... ما چاره ای جز مبارزه نداریم..... ما چاره ای جز متحد شدن، متشکل شدن، آگاه شدن به منافع و رسالت طبقه ای خود نداریم..... ما کارگران باید در پی ایجاد تشکلهای بخت خود

از میان خود و پیروی خود باشیم. مستحکم تر باد اتحاد، همبستگی پولادین کارگران فرود بر کارگران مبارز هوا بهمانی ملی ایران

عزیز کارگر

هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۸/۷/۲۸

- بقیه از صفحه ۱۰
- ۴- داشتن کانتینر غذا خوری در محل کارگاه.
 - ۵- پرداخت ۷۵۰۰ ریال ماهانه (ماهانه - التفاوت دستمزدها) همچون بقیه کارگران مخصوصاً کارگران نفت.
 - ۶- گذاشتن ۴۴ آمبولانس در ۴ منطقه از کارگاه.
 - ۷- مجهز بودن اورژانس بهداشتی واقع در محل صنایع فولاد، اعم از دکتر و پرستار.
 - ۸- کسر نکردن مالیات از حقوق کارگران.
 - ۹- در اختیار گذاشتن وسایل ایمنی مجهز جهت کار.

بقیه از صفحه ۱۲

دربانک ملی ایران چه می گذرد

ایشان پلی می شود بین دولت بازرگان و دارودسته رهبری کننده بانک ملی که همگی از دست نشانندگان رژیم قبلی اند. جناب افجه ای این موقعیت با آورده را که نه بر اساس ملاحظیت خود، بلکه "به برکت" رابطه اش با بازرگان بدست آمده، مفتحت می داند و به جای طلبی می پردازد. آقای شرکا، هم آگاهانه روی این غفلت ایشان انگشت می - گذارد، بطوریکه یک دفعه افجه ای را از گروه ۱۲ به گروه ۱۴ (آخرین گروه ترخیص در بانک ملی) ارتقا می دهد و بمنوان مشاور مخصوص خود (دومین مقام دربانک ملی) منصوب می کند. و آقای افجه ای هم به خدمت متقابل می پردازد و چنین است که آقای شرکا، تا همین چندروز قبل و دارودسته - اش تا امروز موقعیت سابق خود را دربانک ملی حفظ کرده اند. جالب توجه است که عده ای از کارمندان فرصت طلب بانک ملی، تحت نام "انجمن اسلامی کارکنان بانک ملی ایران" این قبیل اقدامات آقای شرکا را ستوده و ضمن پشتیبانی از وی خواستار ابقا او شدند و از بابت این خوشحسی ها چه مقام ها و ترخیص ها که بدست نیاوردند!

وقتی همکارها و خیانتهای آقای شرکا در دادگاه خوش کیش فاش می شود، و از طرف دادستان انقلاب متنوع الخروج اعلام می گردد، وی متوجه می گردد که دیگر درنگ جایز نیست. و وقت آنست که از بسذل و بخششهایی که از کمیسه مردم کرده، نهایت بهره برداری را بکند و در این رابطه چه کسی بهتر از افجه ای! اینست که او را جلومی - اندازد و پیش بازرگان می فرستد. افجه ای نزد بازرگان وساطت می کند که: چنین است و چنان است و آقای شرکا مجبور است به خاطر پیشرفت امور بانک و برای ارتباط با بانکهای خارجی به عنوان ما موریت به انگلستان سفر کند، و چنین است که ترتیب سفر توسط آقای بازرگان داده می شود و ایشان اجازه می باید از مرز "بازرگان" عبور کند. اکنون پیش از یکماه از عزیمت وی گذشته است و تازه حالا معلوم شده که دیگر بهیچ وجه قصد برگشت ندارد. شرکا، اینک با ارزی که غارت نموده و خارج کرده نزد اربابانش گریخته است. فرار او یکبار دیگر نشان داد که چگونه مبارزات خلق ما بهیاز گرفته می شود!!

بمناسبت نهمین سالگرد سپتامبر سیاه ۵۵۵

جنگ در قاره تشکیل شد. منجر به عقب نشینی نیروهای فلسطینی از اردن گردید. بیرون کردن انقلابیون فلسطینی از اردن، انقلاب را از یکی از مناطق مهم پایگاهی خود که برای آن جنبه حیاتی دارد محروم نمود.

در اینجا فرصت بررسی علل و نتایج این درگیری وسیع و این شکست دردناک نیست و همینقدر به اختصار می توان افزود که عدم تناسب بین خلق بسیج شده از یکطرف و توان ناشی رهبری از سوی دیگر و همچنین نتایج در صفوف جنبش مقاومت و بالاخره عدم پیوند محکم بین انقلاب فلسطینی و توده های اردنی از علل مهم این شکست بودند.

فلسطینی ها هرگز اهمیت بازگشت به اردن را از یاد نبرده اند! این منطقیه پایگاهی بدلیل وجود مدها هزارتن از مردم فلسطین که ساکن اردن هستند و نیز بدلیل چند صد کیلومتر مرز بین اردن و اسرائیل منطقیه ای حساس و حیاتی برای انقلاب محسوب می شود. هم اکنون هسته های مخفی انقلاب فلسطین در اردن فعالیت دارد اما راه های آن که برای بازگشت به اردن ارائه و انجام شده هیچیک تا کنون به احیای شرایط پیشین نیانجامیده است.

سپتامبر ۷۵ که به سپتامبر سیاه معروف شده (و یک گروه انقلابی فلسطینی عملیات ویژه و مسلحانه خود را تحت این نام انجام می داد) یکی از سرفلهای تاریخی مبارزات خلق فلسطین محسوب می شود و داغ ننگی است بر پیشانی ارتجاع و امپریالیسم داغ ننگی که هرگز از زمین نخواهد رفت.

ما بدین مناسبت همبستگی استراتژیک بین خلفهای ایران و فلسطین را مجدداً تأکید می کنیم و پیمان می بندیم که مبارزه را دو شاخه خلق قهرمان فلسطین تا نابودی کامل امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع در منطقه ادامه دهیم. ■

★ ★ ★

درواه آزادی

خلق فلسطین صلیب خود را بدوش می کشد
وقفونوس و آرزوهای خود را در آرزوهای خود می کشد
وقفونوس و آرزوهای خود را در آرزوهای خود می کشد
وقفونوس و آرزوهای خود را در آرزوهای خود می کشد



نوبا و گان فلسطینی در حال اجرای یک نمایشنامه انقلابی

و طرح نظامی باید پیاده می شد. ارتش ملک حسین که عمدتاً از قبایل بدوی وفادار به خاندان سلطنتی تشکیل شده است باید این طرح را پیاده می کرد و وظیفه سرکوب انقلاب فلسطین را بعهده می گرفت. در آنروزها پایه های نحت ملک حسین در زیر فشار توده های اردنی و فلسطینی که خواستار ایجاد یک حکومت ملی و مترقی در اردن بودند می لرزید. تماشای دیپلماتیک بین آمریکا و اسرائیل و اردن و دیگر مرتجعین عرب شدت یافت (این تماشا از پشتیبانی سیاسی و نظامی بیدیع شاه خائن نیز برخوردار بود). و این در حالی بود که هر روز حملات وسیعی علیه اسرائیل و امپریالیسم جهانی و ارتجاع عرب به وقوع می پیوست.

ارتش دست نشانده اردن چندین بار درگیری های مرزی بوجود آورد که رهبری انقلاب کوشید از امتدادن بدام درگیری های وسیعتر جلوگیری کند اما در ۱۷ روز سپتامبر تهاجم وسیع آغاز گشت و ارتش اردن - گاه فلسطینی " وحدت " را که هزاران تن از " آوارگان " فلسطینی در آن کشتی داشتند به توبیخت. پیش از یک هفته پایتخت اردن و شهرهای مهم و مناطقی که قدا نشان فلسطینی در آنها پایگاه داشتند در زیر باران گلوله - ها قرار گرفت مقاومت و قهرمانیهای خلق فلسطین در مقابل با این تهاجم وحشیانه در تاریخ کم نظیر است.

ارتش تلفات فراوان داد و یک لشکرکراز آن به انقلاب پیوست. انقلاب از لحاظ نظامی شکست نخورد و سراسر شمال اردن و قسمت اعظم پایتخت در دست نیروهای انقلاب باقی ماند. اما فشارهای دیپلماتیک و به مذاکره کشاندن رهبری انقلاب تحت نظارت کنفرانس سران کشورهای عربی که به منظور پایان این

و بقول یاسر عرفات ۲۵ هزار تن از مردم ستم دیده و قهرمان فلسطین در اردن به خون خود در غلطیدند! این کشتار عام که بقول یکی از رزمندگان فلسطین میتوان آنرا " اجرای حکم اعدام درباره یک خلق " نامید، برای بزا تو در آوردن خلقی بود که علیرغم کوههای مشکلات، بردشتمان تا دندان مسلح و " دوستان " غدار خود شوریده است تا حق خویش را در بازگشت به وطن از حلقوم آمریکا و اسرائیل و ارتجاع عرب بیرون کند. حکومت دموکراتیک فلسطین را بر سراسر خاک اشغال شده میهن، پایه ریزی نماید.

پس از ژوئن ۱۹۶۷ و شکست مفتضحانه رژیمهای عربی از اسرائیل، خلفهای عرب به انقلاب فلسطین روی آوردند. انقلاب اوج گرفت و با نیروی سلاح و سازماندهی و مقاومت کم نظیر خود مرزها و دره های بسته را بروی خود کشود و در کشورهای متعدده عربی منجمله در اردن پایگاه های وسیع نظامی و سیاسی دائر نمود. عملیات مسلحانه علیه اسرائیل - بخصوص از خاک اردن - وسعت بی سابقه یافت و پیروزی انقلاب فلسطین در نبرد " الکرامه " در مارس ۱۹۶۸ (نوروز ۱۳۴۷) بر نیروهای مهاجم اسرائیلی، زنگ خطر، خطر گسترش جنگ توده ای در ازمدهت علیه اسرائیل و آمریکا را در منطقه همدا در آورد.

ارتجاع عرب - بویژه ملک حسین - بر خود لرزید. اما ارتجاع را برای مقابله با این موج عظیم انقلابی توده ای نبود. ادامه جنگ فرسایشی از طرف مصر علیرغم کارآیی نسبی اش، برای ناصر بسیار گران تمام می شد و او ماهیتاً تحمل آنرا نداشت و ناگزیر به طرح " راجرز " (وزیر خارجه وقت آمریکا) که مذاکره با اسرائیل را پیشهاد می کرد تن در داد. فلسطینی ها که آنروز - ها در اوج قدرت نظامی و سیاسی و تسوده ای خود بودند سرخستانه با این طرح مخالفت کردند و حتی با عبدالناصر " یاور " بزرگ خویش در افتادند. کمال ناصر، شهید بزرگ فلسطین، که در آنزمان سخنگوی سازمان آزادی بخش فلسطین بود در میتینگ عظیمی که برای محکوم کردن طرح راجرز در عمان برپا شده بود اعلام کرد:

" علیرغم احترامی که به جنگ فرسایشی مصر با اسرائیل می گذاریم اجازه دخالت در سرنوشت ما را به کسی نمی دهیم و طرح راجرز و هر توطئه دیگر نظیر آن را راه نمیکنیم."

وضع برای فلسطینی ها در اردن بحدی مساعد بود که یاسر عرفات اردن را " هانوی انقلاب فلسطین " توصیف می کرد.

اما ارتجاع عرب و سازشکاران، دیگر به انتهای خط رسیده بودند و می بایست جلوی این نیروی توفنده را می گرفتند. توطئه های سیاسی به تنهایی کارگرمی افتاد

یاد شهیدان راه خلق احسن و شهریار ناهید گرامی باد

یاد شهیدان راه خلق احسن و شهریار ناهید - گرامی باد

رفیق علی احسن ناهید در سال ۱۳۳۶ در سنندج پدینا آمد. سال ۱۳۵۲ در رشته مهندسی شیمی دانشکده پلی تکنیک تکمیلات دانشگاه خود را آغاز کرد. در طی این دوران رفیق یکی از مبارزین صریح و پرشور ستگردانشگاه برعلیه رژیم مزدور شاه خاش بود و در فضا - لیتهای منفی و سازماندهی اعتراضات دانشجویی نقش ارزنده ای بعهده داشت.

رفیق احسن در مبارزات قهرمانانه مردم در یکسال پیش از قیام از سازماندهی نظرات خیا بانی دانشجویان گرفته تا شرکت در نشریه های مطبوعه روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه، همواره نقشی فعال داشت. پس از قیام احسن به زادگاهش کردستان برگشت تا در کنار خلق دلآوردش برای ایجاد کردستانی خودمختار در چارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک به مبارزه ادامه دهد. (ب) در راه این هدف در دفتر هواداران سازمان ج - ف - خ در سنندج به فعالیت پرداخت. رفت و آمدهای پیاپی رفیق به روستاهای اطراف برای بسیج و سازماندهی دهقانان در مقابل فئودالهای محلی، پیوند او را با دهقانان شتمندسده هرچه بیشتر مستحکم میکرد. تا اینکه چند روز قبل از ورود ارتش به سنز، دهقانان روستای کپرتو که در اتحادیه های دهقانی تشکیل شده بودند هنگام برداشت محصول مورد حمله مطبوعه فئودالها قرار می گیرند. آنها تلفظی به مهاجمان خبر می دهند و باری می طلبند. بدنبال این خبر یک تیم ۴ نفره به باری دهقانان می شتابند که در تفرات آنها رفیق احسن و برادرش رفیق شهریار بودند. در بدو ورود، فرمانده تیم، بنام رفیق حبیبی شهید می شود و بقیه در محاصره قرار می گیرند. در حین درگیری رفیق احسن از ناحیه پا زخمی می شود و توسط فئودالها که حالا دیگر پاسداران هم بکمکشان آمده بودند دستگیر می شوند.

بقیه موفق به فرار می شوند، اما رفیق شهریار برای کمک به برادرش که زخمی اسیر شده بود (علیرغم توصیه اوبرفتن) می ماند و او هم اسیر می شود. رفیقای دستگیر شده را به سنندج می برند و ساعت ۴ روز دوشنبه ۵۸/۶/۵ به همراه عده ای دیگر از همزمانان و بدستور حجت الاسلام روانی (خلعالی) به جوخه آتش سپرده می شوند. برای ثبت در تاریخ گفتنی است که چون پای رفیق احسن درنگ بود و نمی توانسته با بسته بهنگام تیرباران به همزم و برادرش تکیه می کند تا دشمن او را زبون نیندند.

(ب) - در پیکار شماره ۱۸ (ویژه نامه کردستان) بازگفت رفیق به کردستان خانوادگی معرفی شده بود که بدین وسیله تصحیح می - شود.

هیئت حاکمه چه کسانی را بعنوان ضد انقلابی در کردستان تیرباران می کند؟!

بخلق بود و بهمن که بحق، سراسر وجودش از عشق به محرومان آکنده بود، بهمن جرم در چهارم شهریورماه به جوخه اعدام سپرده شد. در روزنامه اطلاعات نوشتند که او در وقایع ۲۳ تیر مرهوان دست داشت.

زهی بشری و دروغ، همه می دانند که بهمن در ۲۳ تیرماه اعلام را کردستان نبوده است. او هفتم مرداد در دانشکده حضور داشته، که پس از خداحافظی با رفقایش، به همراه اکیبهای پزشکی به کردستان رفته و بنا بر این نمی توانسته در آن تاریخ در آنجا باشد. چرا ارتجاع پوسیده این چنین به دروغ متوسل می شود؟

ارتجاع جنگ تا برابر ونا جوانمردانه - ای را که بر خلق کرد تحصیل کرده، فقط و فقط با دروغ می تواند توجیه کند. توفیق مطبوعات و برقارای سانسور شده، منظور پنهان کردن حقایق از مردم، صورت گرفته و رادیو - تلویزیون با پخش اخبار دروغ و تحریف و بد وقایع، به بلندگوی ارتجاع تبدیل شده این چنین است که بهترین رزمندگان خلق، با اتهام واهی تجزیه طلبی و وابستگی به حزب دموکرات، به جوخه آتش سپرده شدند. راه سرخ بهمن پاینده باد.



غروب بکشینه او را بجوخه آتش سپردند
اورا که نه غمخیز داشت و نه مسلحی
چرا که دلی تنیده داشت
و پایی راهوار
او ایستاد و مرگ در برابرش زانو زد
بر تنه های کردستان
اینگ خزان زودرس
فشانده برگهای زردش را
نامش چونان بهار تکرار می شود
و چنانی فراموش نخواهد کرد
که او را به جوخه آتش سپردند
در غروب بکشینه تابستان

رزمندگان آزادی طبقه کارگر

۵۸/۶/۲۵



رفیق بهمن احقری، دانشجوی مبارزی که همواره قلبش از آتش شوق خدمت به خلق گرم بود، بدست مرتجعین چناینگار، به جوخه آتش سپرده شد. او که دانشجوی آزادی رفته نشأت دانشکده هنرهای زیبا بود، نشأت را وسیله ای میدانست برای آگاهی دادن به توده ها. نشأت، در نهایت برای او صحنه ای بود که بتواند آرمانها و افکارش را به مردم القا کند. عشق به خلق او را به زندگی در کنار محرومترین قشرهای اجتماع کشاند و مدتها در فقیرترین محلات جنوب شهر و کارخانه ها به کار پرداخت. این دوره از زندگی، به پیوند عاطفی او با زحمتکشان عمق بیشتری بخشید. با شرکت در مبارزات توده ها، برای سرنگونی رژیم خاش پهلوی، برای عملی در مبارزه سیاسی گام نهاد، و در عین حال با ترتیب دادن نمایشنامه و بازی در نشأت دانشجویی، به اعتلای فرهنگ مترقی در دوران انحطاط فرهنگی پرداخت.

رفیق بهمن جوان پرشوری که احساسات عالی خود را نسبت به زحمتکشان، در هر قالب و شکلی بیان می کرد، با سرودن شعر و داستان نویسی، به بیان رنجها و مرارت های مردم می پرداخت. او عاشق کار بود و از کار سخت و توانفرسا خسته نمی شد. دوره نظام وظیفه را در سپاه بهداشت با کمک به روستائیان گذارند و کمکهای پزشکی را در همین جریان، آموخت. او که مبارزی سنگینی ناپذیر در راه خدمت به آرمان رنجبران بود، در پی بسیج دانشجویان برای کمکهای درمانی و سازندگی، به همراه اکیب پزشکی به کردستان گرفت و در ساختن درمانگاه برای روستائیان شرکت کرده و به کمک اتحادیه های دهقانی شناخت. روستائیان فقیر و زحمتکش کردستان که بار سالها محرومیت و ستم فئودالها و سرمایه داران وابسته را بدوش داشتند بهمن را یکسره پایبند خود نمودند و او که در آرزوی خدمت بخلق بود، بگفته یکی از دوستانش، گاه در شبانه روز فراموش می - کرد که بخوابد. در کنار کار برای احداث درمانگاه و کمکهای پزشکی، با ترتیب دادن نمازگاه و نمایش فیلم برای روستائیان از فعالیت فرهنگی نیز غافل نمی شد. در این دوران، بهمن برآستی شاد بود.

ارتجاع و عوامل امپریالیسم که در جهت سرکوب جنبشهای خلق، سوبزه زحمتکشان کرد دست در دست پلیدترین عناصر بومی، یعنی فئودالها، قباذه موقت، سرسپردگان رژیم گذشته و آخوندهای مرتجع گذاشته بودند، با نقشه قبلی به کردستان پورش بردند. در پی هجوم به کردستان و کشتار خلق کرد، دادگاههای به اصطلاح انقلابی، مبارزان را دستگیر کرده و بجرمهای واهی به جوخه اعدام سپرد.

معیار خلغالی در اعدام انقلابیون و مبارزین، فقط و فقط میزان وفاداری آنها

حنای عوامفریبان بی رنگ است

بمداز ها هو و جنجالی که هیئت حاکمه دربارہ " کشف توطئه در کردستان " و با افشای " ماجراهای پشت پرده " براه انداخت ، محمد مگر کی غیر رژیم در شوروی با ادعای اینکه پرونده قطوری مربوط به اوضاع کردستان دیزیر بخل دارد ، از راه رسید. وی در نمایشات از پیش تنظیم شده ای که تحت عنوان " معاصبه مطبوعاتی و به اصطلاح برای پرده برداشتن از " توطئه های پشت پرده " ، با چند روزنا مه- نگار برگزار کرد، هرچه در دهشتناکته و پیرداخته بود، بیرون ریخت. " مدارک " ادعای مگر کی، که همچون سردمداران رژیم بد طولانی در پرت و پلا گوئی دارد، بریده هائی بود از روزنا مه های مختلف غربی که هیچ چیز را نشان نمی- داد، مگر افلاں و ورنسنگی این آقا یان را که برای فریب مردم بهر چیزی چنگ می اندازند. وی بالاخره بمداز اینک آسمان و ریسمان را بهم بافت ، در پایان همانطور که پیش- بینی می شد، امپریالیستها و صهیونیستها را عامل اصلی وقایع کردستان قلمداد نمود که چون با " انقلاب اسلامی " دشمنی دارند، چنین بلوا هائی را براه انداخته اند ! آری ، اینان در حرف به امپریالیسم و صهیونیسم حمله می کنند تا در عمل به حفاظت بر غیرزند. ضمناً از این طریق هرگونه مدای مخالفی را با صل کردن آن به امپریالیسم و صهیونیسم ، سرکوب می کنند. البته در اینکه امپریا- لیسم در شلور ساختن آتش جنگ در کردستان دست دارد، نمی توان تردیدی داشت و ما نیز بر همین عقیده ایم ، لیکن یقین داریم که عوامل امپریالیسم را بر مبنای شواهد و دلایل متعدد موجود نه در صف خلق ستمدیده کرد که در ترکیب رژیم و بویژه در اساس اهرمهای قدرت دولتی باید جستجو نمود. آری ما نفوذ و حضور امپریالیسم را در هیئت حاکمه با بر کماری خود فروختگان و عناصر متکوکوی چون شاکرها و فلاحی ها و چمران ها در اساس ارتش و پاداران بهینه می بینیم ، حال بد نیست نگاهی همه به برخی از " مدارک " آقای مگر کی بیاندازیم. وی در گفتگوئی با روزنامه اطلاعات که در تاریخ ۵۸/۶/۲۷ منتشر شد ، " مدارکش " را رو کرد که نمونه هائی از آنرا می آوریم. توجه کنید : چند روزنامه خارجی " ارتش و کمیته انقلاب را متهم می سازند که دست به جنایات زدند و کردها فقط از خود دفاع کردند. " این شد یک " مدرک " . و با " دقیقاً ۱۵ روز قبیل از انتخابات مجلس غیرگان ، جنگ کردستان در

منطقه مرزبان بوقوع می پیوندد. " و " مدارکش " از این قبیل . آری اینست " مدارک " افشا گرانه آقای مگر کی ! لکن آن خط برجسته ای که در سراسر گفته های وی دیده می شود، گو- شتی است که برای خدامپریالیست و صهیونی- نیست نشان دادن رژیم بخرچ می دهد. آقا یان شما بیهوده می گوئید ، خود را به دروغ دشمن امپریالیسم و صهیونیسم معرفی کنید، وقتی که بمناسبت عامل سیاست های آمریکا مدوش او در افغانستان عمل می کنید ، بیهوده می گوئید خود را دشمن امپریالیسم و صهیونیسم وانمود کنید، وقتی که آشتی ناپذیرترین دشمنان آنها یعنی کمونیستها را آماج حملات خود قرار داده اید. آری شما چه بخواهید و چه نخواهید به امپریا- لیسم خدمت می کنید. و اینکه این خدمت را در زیر لوای " مبارزه با امپریالیسم " انجام دهید، چیزی از ما هیئت خدانتان نخواهد کاست .

در هفته ای که گذشت

حال شما بگوئید تا جنابهای خود را در کردستان بحساب مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم بگذارید ، همه زورتان را بزنید تا بورژوا مطبوعات و آزادیهای دموکراتیک و نگار انقلابیون را ملاک " انقلابی " بودن نشان جا بزنید ، آری بگوئید - همچنانکه می گوئید - سراسر کردستان را چون روستا - های " قارنه " و " کانی مام سید " که هفتاد زن و کودک را بدست تفنگچی ها بتان قتل عام کردید ، به ویرانه بدل کنید و خود را " فد امپریالیست " بخوائید. مبارزین و انقلابی- بیون کرد را بی محابا به رگبار مسلسلها بتان بپندید ، که می بندید. و دهات را بمباران کنید و خلق ستمدیده کرد را به آتش و خون بکشید ، که می کشید. و سپس در مورد مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم رجز خوانی کنید. لیکن مطمئن باشید بنائی که بر پایه دروغ و ربا استوار باشد، تاب مقاومت در برابر حتی نسیمی را نخواهد داشت. آنچه که در کردستان می گذرد، بدلیل سانسور و خفغان موجود، کمتر بگوش مردم می رسد. لیکن حقایق را می توان حتی از لابلای اظهارات مقامات دولتی بیرون کشید. هم اکنون در شهرهای کردستان ، سفاردهاران

به ارتشی ها و پاسداران چیزی نمی فروشد زن و کودک کرد وقتی که در کوچ و خابان با نظامیان و پاسداران مواجه می شوند صف می کنند ، گاه حتی بروی آنها ، شهرهای کردستان اکنون به صحنه تظاهرات با شکوهی علیه هیئت حاکمه و در اعتراض به دستگیری و اعدام مبارزان ، در اعتراض به سبباران روستاها و ... تبدیل شده است. نظامی ها و پاسداران شیبا نیز از دست عملیات ابدائی خلق کرد ، خواب راحت ندارند . پاسداران دسته دسته فرار می کنند و با همچون نظامیان آگام و انقلابی از اروپا - روئی با خلق کرد امتناع می ورزند . و این همه در حالی است که خلق کرده چنان ممانه برای کسب حقوق ملی خود یعنی حق خودمختاری پایداری می کند .

دیوار حاشا بلند است

دولت از ابتدای موجودیت خود، برای مقابله و سرکوب خلق ستمدیده کرد به فتوادل های منطقه، مزدوران قبیله موقت و خاشنی از قماش مفتی زاده تکبیزده و بویژه در مسلح کردن فتوادلها از هیچ کوشی فروگذار نکرده است. بدیهی است چنین خیانتی نمی توانست از دید مطبوعات متمعهد، که هنوز در محاق توفیق نبود، پوشیده بماند. و چنین بود که دولت میکوشید با قسم و آیه ارتباط خود را با فتوادلها منطبق و مسلح کردن آنها را انکار نماید. در هفته ای که گذشت خبری در روزنا مه ها منتشر شد که نشان میدهد دولت چگونه دست در دست فتوادلها بر علیه خلق کرد توطئه چینی می کند. و اما خبر: روزنا مه با مداد روز سه- شنبه ۵۸/۶/۲۷ ضمن درج خبر مربوط به تسرور یکی از فتوادلها ای منطقه و سران عشا پرا رومیه بنام قلی بیگ ، گفتگوئی داشت با همرا هان زخمی وی که طالب توجه است :

همرا هان قلی بیگ به غیر نگار با مداد گفتند " قلی بیگ از جمله سران عشا بر منطقه بوده که اخیراً همبستگی خود را با جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده و متمسک شده بود که جهت حفظ امنیت در منطقه خود میکوشد و ما به اتفاق جهت دریافت اسلحه از افسران امری به شهر آمده بودیم آری ، فتوادلها با " دریافت اسلحه از افسران امری " ، " تمسک " میشوند جهت حفظ امنیت در منطقه خود " بکوشند! حال بگذار آقای بازگان به انکار آن برخیزند. دیوار حاشا بلند است .

بعد از انتخاب آقای بازگان به نخست وزیر ، اینان یکی از خویشاوندان و دوستان نزدیک خود را بنام اسماعیل افجه- ای که عمده دار معاونت یکی از ادارات بانک ملی بود با حفظ سمت قبلی به ریاست دفتر نخست وزیر منصوب می کند. به این ترتیب بقیه در صفحه ۱۱

در بانک ملی ایران چه می گذرد؟

از طرف دادستان کل انقلاب ممنوع الخروج اعلام شده بود ، فرار کرده است !!

جلیل شرکا* مدیرکل بانک ملی ایران مدتی است که به انگلستان رفته است. ظاهراً به عنوان ماموریت. اما واقعیت اینست که جناب مدیرکل انتصابی شاه مزدور که از " ففا " مورد امتداد دولت موقت خدا انقلابی نیز بود و به تازگی بجرم همکاری با یوسف خوش کیش (مدیر کل اسبق بانک ملی و بانک مرکزی)

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر